

تقویت رهبری انقلاب

وظیفه تمام انقلابیون راستین است

فاطمیت امام خمینی در نبرد انقلابی برای واژگون کردن رژیم خونخوار و دست نشانده پهلوی باعث شد که آن وحدت عمل خلقی بی مانندی حاصل شود که حکومت مهیب شاهخائن را درهم شکنند و راه را برای تأمین استقلال و آزادی کشور بگشایند. در شخصیت بی تزلزل و آشتی ناپذیر امام خمینی، آرمان و آرزوی تمام طبقات و اقشاری از خلق ستمدیده و فارت شده ایران تجسم یافت که خواستار رهایی کشور از یوغ سلطه امپریالیسم تاراجگر و حکومت پهلوی - این ساطور اعمال قدرت حاکمه امپریالیسم در ایران - بودند. پیروزی انقلاب رها بخش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران با نام امام خمینی انجام گرفت.

اینها واقعاتی است که همه میدانند، از جمله ضد-انقلاب، و بهمین دلیل ضد انقلاب با تمام نیرو و با تمام وسائل گوناگونی که در زرادخانه خود دارد، میکوشد رهبری امام خمینی را تضعیف کند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی متحدان، با تبلیغات مشخون از دروغ و افترا، حاصل انقلاب ایران را نوعی حکومت استبدادی قلمداد میکنند و این سکه قلب را با استفاده از روحیه کسانی که «آزادی» خود را در سوار شدن بر گردن مردم، محدود شده احساس میکنند، رواج میدهد. این تبلیغات زهر آگین که در «رنکین نامه‌های» داخلی منعکس میشود، تمام آن بدبختی‌هایی که از رژیم خائن واژگون شده سابق باقیمانده، بهای رهبری کنونی انقلاب میکندارد. از شایعه - سازی گرفته تا ایجاد وحشت، از خرابکاری و کارشکنی آشکار گرفته تا شمارهای ظاهراً فریبنده، ولی تفرقه افکنانه، همه وسائل برای ایجاد روحیه گریز از مرکز رهبری بکار می‌رود. امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در راه رسیدن باین هدف، دو نیروی بالقوه متحدی دارند که خواسته یا ناخواسته، ولی عملاً و بالفعل در همان راه گام برمیدارند. یکی ارتجاع راست، چه مذهبی و چه غیر مذهبی است، که نسبت به مشی قاطع ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و آزادیخواهانه امام خمینی همواره مخالف خوانی میکنند. دیگری گروه‌های «چپ‌نما» که ظاهراً میخواهند انقلاب را به پیش بتازانند، ولی در عمل بر سر راه پیشرفت آن، از طریق مخالفت دائم با حل منطقی و ممکن هر مسئله‌ای در تمام زمینه‌ها مانع می‌شوند. ارتجاع راست، در برابر هر توصیه‌ای که امام مطرح می‌سازد، «پیشنهاد» مخالفی از راست درجته دارد. «چپ‌نماها» نیز جز مخالفت وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند.

در این میان بخشی از یک قشر اجتماعی، که خود را «روشنفکر» میدانند، بویژه آسیب پذیر است. برای ایجاد هراس در همین قشر است که ضد انقلاب ندا میدهد که «صدای تعلین فاشیسم» بگوش میرسد. از سوی دیگر برای جدا کردن همین قشر از جنبش انقلابی است که «چپ‌نماها»، این انقلاب را حتی انقلاب نمیدانند.

خلاصه تلاش مذبحخانه برای تضعیف رهبری انقلاب از جانب ضد انقلاب بی تقاب و متحدین بالقوه و بالفعل آن، یعنی ارتجاع راست و گروه‌های «چپ‌نما» شدت گرفته است. تضعیف رهبری انقلاب معنا و نتیجه‌ای جز کارشکنی در کار انقلاب ندارد. کار این کارشکنی تا آنجا پیشرفته که شخص امام در معرض توهین و اهانت قرار میگردد.

این وضع انجام وظیفه مهمی را در برابر نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران قرار میدهد. این وظیفه عبارت است از تقویت رهبری امام خمینی در جهت ریشه کن کردن ریشه‌های گندیده رژیم واژگون شده شاه مخلوع، در جهت تخریب تمام پایگاه‌های سلطه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا در ایران، در جهت لجام زدن به گروه‌های راست، که زیر تقاب هواداری از مذهب، با افسار گسیختگی به آزادی‌های فردی و اجتماعی تجاوز میکنند و با ایجاد محیط رعب و وحشت، هم قشرهای ترقیخواه و آزادیخواه مردم را از خط سیاسی اصم دور میکنند و هم به تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی بهانه میدهند. غفلت از انجام این وظیفه، میدان دادن به ضد انقلاب است.

حزب توده ایران همه انقلابیون راستین، تمام احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی صادق به انقلاب را دعوت میکند که برای خنثی کردن تلاش ضد انقلاب در تقویت رهبری انقلاب، رهبری امام خمینی، چه در گفتار و چه در کردار، بکوشند. شرایط مشخص انقلاب رها بخش ملی، دموکراتیک و خلقی ایران چنین وظیفه‌ای را در برابر نیروهای انقلابی صادق قرار داده است. در اجرای این وظیفه باید کوشید.

در صفحات بعد میخوانید:

حداقل دستمزد کارگران حد مطلوب نیست

(صفحه ۳ - ستون اول)

● از طریق توطئه دامنه داری در رنکین نامه‌ها:

ضد انقلاب بختیار را نامزد ریاست جمهوری ایران کرد!

(صفحه ۸ - ستون دوم)

● امپریالیسم امریکا، دشمن آزادی و استقلال همه خلقهای جهان

(صفحه ۷ - ستون اول)

● ابعاد فاجعه آفرین یک «تجربه» نقد فیلم (صفحه ۶ - ستون اول)

● از اخگر شعله بر میخیزد! شری از موج - (صفحه ۸ - ستون اول)

● ساکنان افسریه چه میخواهند؟ (صفحه ۴ - ستون دوم)

● کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادی‌های دموکراتیک (صفحه ۵ - ستون اول)

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۱
چهارشنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

اصل محتوی قانون اساسی است

در هفته نامه معروف «عصر جدید»، چاپ شوروی، شماره ۲۸ (ششم ژوئیه ۱۹۷۹) مقاله مفصلی در تحلیل اوضاع کنونی ایران، زیر عنوان «در مرحله گذار»، بقلم «کرونی خین» درج شده است. ما ترجمه بخشی از این مقاله را، که مربوط به مهمترین مسئله روز، یعنی قانون اساسی است نقل میکنیم. بقیه در صفحه ۷

برای بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر

دیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه عناصر میهن پرست و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت وسیع خود در مراسم بزرگداشت شهیدان ۳۰ تیر ۱۳۳۱، اراده خود را برای تحقق اتحاد تاریخی نیروهای خلق در مبارزه به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران ابراز دارند.

- روزتجمع: جمعه ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸
- ساعت تجمع: ۵ بعد از ظهر
- محل تجمع: پل سیمان - جاده قدیم تهران - شهر ری
- مسیر حرکت: از پل سیمان بسوی ابن بابویه، مزار شهیدان ۳۰ تیر

یادآوری: کسانی که هیچگونه دسترسی به وسایل نقلیه ندارند، می‌توانند از اتوبوسهایی که در محل تقاطع خیابان فروردین - انقلاب در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز ۲۹ تیرماه آماده حرکتند، استفاده کنند.

دیبرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۶ تیرماه ۱۳۵۸

مار کسبیم، اخلاقیات، معنویات

یک بحث ساده فلسفی درباره
یک سفسطه رایج
مخالفان و دشمنان مار کسبیم

عناصر راست گرا شیوه «راحتی» را برای مردود شمردن مار کسبیم برگزیده‌اند: ابتدا به مار کسبیم از حیث و باطنی نسبت میدهند، سپس با سفسطه «ثابت میکنند» که آن باطنی در واقع باطنی است! فهوالمطلوب! مثلاً میگویند که گویا مار کسبیم فقط به «مادیات» می‌اندیشد و لذا اخلاق و معنویات در نظر آنها هیچ است و برای ایمان و وجدان و شرف و دیگر فضائل «محل از اعراب» قائل نیستند و برای آنها، بمنظور نیل به هدفهای شیطانیه، هر وسیله‌ای مجاز و مطلوب است! البته این انسابات به ایدئولوژی مارکسیستی از بیخ و بن نادرست است. ایدئولوژی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم جای بزرگی برای اخلاقیات و معنویات باز میکند. بدون داشتن آرمان، بدون داشتن ایمان، بدون انسان دوستی، بدون عاطفه فداکاری در راه جامعه و میهن، بدون عشق به تمدن و فرهنگ، بدون آمادگی برای ایثار عزیزترین چیزها و از آنجمله زندگی خود در راه رهایی ستمدیدگان، بدون عشق به صلح و همبستگی و دوستی انسانها، یک مارکسیست، مارکسیست نیست. یک انقلابی، انقلابی نیست. انقلابی مارکسیست سرایا سرشار از عواطف مقدس و هیجانات پاک انسانی است. این شرط بایسته و ناگزیر است.

مارکس میگوید، به هدفهای شریف تنها با وسایل شریف میتوان دست یافت و مارکسیسم شیوه ماکیارول را رد میکند. اگر چنین نبود، مارکسیست‌ها نمی‌توانستند انگیزنده بزرگترین جنبشهای انقلابی تاریخ معاصر باشند، نمی‌توانستند بر بقیه در صفحه ۴

توجه!

گزارش راه پیمائی روز سه شنبه ۲۶ تیرماه، که حزب توده ایران نیز در آن شرکت داشت، در شماره آینده به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

حداقل دستمزد کارگران حدمطلوب نیست

طرح تعیین حداقل دستمزد کارگران از پنج ماه پیش در وزارت کار مورد بررسی و مطالعه بود و سرانجام، براساس تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگر روزانه ۵۶۷ ریال اعلام شد. رقم اعلام شده در مقایسه با آخرین رقم حداقل دستمزد، که ۲۱۷ ریال بود، مبلغ ۳۵۰ ریال افزایش نشان میدهد، اما در مقایسه با هزینه سرسام آور و روزافزون زندگی نه تنها حد مطلوب نیست، بلکه کارگران را برای تأمین گذران روزانه همچنان دل مشغول میدارد.

قانون کار سال ۱۳۲۵، که علیرغم نقائص آن، دستاورد مبارزات طولانی طبقه کارگر زیر پرچم شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران بود، بر این امر تأکید داشت که حداقل دستمزد کارگران باید بر مبنای تأمین زندگی یک خانواده چهار نفری، یعنی کارگر، همسر او و دو کودک تعیین شود. اما نه تنها این ماده از قانون کار هرگز بدرستی اجرا نشد، بلکه سایر مواد مفید آن قانون نیز در تمام دوران رژیم پهلوی به بوته فراموشی سپرده شد. در نتیجه طبقه کارگر، علیرغم هزینه گران زندگی، گرانی اجاره مسکن، مخارج گزاف تحصیلی و بهای سرسام آور درمان و دارو، در قبال فروش نیروی کار خود، دستمزد ناچیزی دریافت میکرد که کفاف نان بخور و نمیر خانواده اش را بزرگت میداد.

با وجود حقیقت حاکم در آن دوران، کارگران در بسیاری از کارخانه ها و مؤسسات تولیدی به کسی دستمزد و شدت درجه اشتمار از جانب کارفرمایان

اعتراض داشتند و با اقدام جمعی خود بارها کارفرمایان را وادار به افزایش دستمزد خویش کردند. با این وجود از آنجا که رژیم نماینده سرمایه داران و مدافع بهره کشی آنان بود، سطح دستمزد کارگران به هیچوجه با هزینه زندگی، که پیوسته رو به صعود داشت، هماهنگ نبود و کارگران در فقر و محرومیت بسر میبردند، بنحوی که آخرین رقم حداقل دستمزد روزانه ۲۱۷ ریال ۶۵۰ تومان و ماهانه حدود ۶۵۰ تومان بود که حتی هزینه یک نفر راه کفاف نمیداد، تا چه رسد به چهار نفر.

کارگران زحمتکش انتظار داشتند، انقلابی که حامی طبقه مستضعف است، گامی در جهت دگرگونی این وضع بردارد و حداقل دستمزد کارگران طوری محاسبه شود که با هزینه زندگی هماهنگ باشد. با آنکه سخنگوی وزارت کار اعلام داشته که، «در گذشته در تعیین دستمزد واقفیت های زندگی کارگران در نظر گرفته نمیشد و بدون بررسیهای همه جانبه دستمزدها تعیین میشد، ولی امسال این بررسیها بعمل آمده، باید گفت که متأسفانه هنوز هم در تعیین حداقل دستمزد واقفیت های زندگی در نظر گرفته نشده است. حداقل دستمزد میبایست براساس تأمین حداقل زندگی برای یک خانواده چهار نفری تعیین شود، که نشده است. به واقفیات مراجعه کنیم.

یک خانواده چهار نفری برای سکونت خود به یک واحد مسکونی ۲ اتاقه نیازمند است، که در شرایط کنونی حتی در جنوبی ترین مناطق، کرایه آن کمتر از ۱۲۰۰ تومان نیست. با در نظر گرفتن بهای یک کیلو گوشت به

مدیریت طاغوتی شرکت «آسانسور» مشغول اخلال است

روز ششم خرداد کارگران و کارمندان شرکت «آسانسور» ابولحسن دیبا و شرکاء، در محل دفتر شرکت، واقع در خیابان حافظ، دست به تحصن زدند. علت تحصن عدم پرداخت حقوق یکماه گذشته است.

علت عدم پرداخت حقوق آنست که سازمان بنیاد مستضعفین قصد دارد که در مدیریت شرکت فوق تجدید نظر کند و به حسابهای مالی و قراردادهای آن رسیدگی نماید. بدین منظور تمامی حسابهای بانکی این شرکت را بسته است تا اختلاسی صورت نگیرد. مدیریت این شرکت از این موضوع سوء استفاده کرده و به کارگران حقوق نپرداخته است.

در این میان کارمندان عالی رتبه شرکت و مباشرین صاحبان سهام بشدت سرگرم اخلال هستند.

پیروزی کارگران «سوپر رنک»

بدنبال خیزی که درباره اعتصاب کارگران «سوپر رنک» انتشار دادیم، کارگران موفق شدند طرح طبقه بندی مشاغل را باجسرا در آورند و مابه التفاوت دستمزد خود را از یکسال قبل تاکنون دریافت کنند. کارگران حقوق عقب افتاده و نیز صدتومان اضافه حق مسکن را دریافت خواهند نمود.

تحصن کارگران «ویلیام برادرز» ادامه دارد

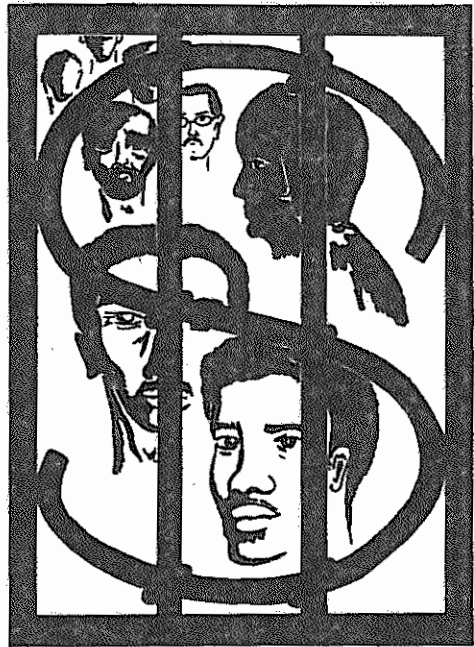
مدتی از تحصن کارگران شرکت لوله کشی نفت «ویلیام برادرز» میگذرد. کارگران خواستار حقوق عقب افتاده خود و اجرای سایر خواستههایشان هستند. کارفرمای امریکایی و مدیریت کارخانه فرار کرده اند. کارگران خواهان حضور نماینده وزارت کار و رسیدگی بخواستههایشان هستند.

موفقیت سندیکای کارکنان چای شمال

چندی پیش از طرف سندیکای کارکنان چای شمال نشستی در اداره کل چای شمال در لاهیجان با حضور کارخانهدار و کارکنان سازمان چای شمال تشکیل شد. در نتیجه سندیکای کارکنان چای شمال موفق شد صدی بیست به حقوق کارکنان این سازمان اضافه نماید.

تصحیح

در خبر مربوط به اعتصاب کارگران سازمان آب و برق بندر انزلی (مردم شماره ۳۳)، نام آقای اکبری معاون امور مالی بعنوان «اعتصاب شکن» ذکر شده، که درست نیست و بدینوسیله با یوزش، تصحیح می شود.



اخبار کارگری سندیکای خیاطان تهران و حومه درباره مشکلات کارگران

روز ۵ تیرماه، سندیکای خیاطان تهران و حومه تشکیل جلسه داد. ابتدا درباره مواد اساتمه سندیکا، که ادامه بحث هفته قبل بود، صحبت شد. سپس در مورد کنترل واردات لباسهای خارجی بحث شد. در مورد قبول سفارش، کارگران گفتند، اتحادیه کارفرمایان خیاطان در همین چند روز اخیر ۸ هزار دست لباس از شرکت واحد گرفته، که برای آنها بدوزد و تا آنجایی که کسب اطلاع شده، برای هر دست لباس ۲۸۰ تومان پول میگیرد، که البته برای خودش دستی ۱۸۰ تومان خرج بر میدارد.

کارگران معتقد بودند که این قبیل امور را سندیکای کارگران خیاط باید کنترل کند و بر آن نظارت داشته باشد. سپس در مورد جلب کارگران جدید به سندیکا صحبت شد، که معلوم شد حدود ۳۰ هزار کارگر خیاط وجود دارد. ولی تنها ۴۲۳ نفر عضو سندیکا هستند. البته روز بروز بر تعداد اعضای سندیکا افزوده میشود، ولی قرار شد که کمیسیون تبلیغات فعالیت هر چه بیشتری در جهت جلب کارگران به سندیکا انجام بدهد. سپس یکی از کارگران اعلام کرد که از کارگران آنها ۱۶ نفر کارگر خیاط، برای بیمه شدن، با کارفرما به مذاکره نشستند. کارفرما که فهمیده بود کارگران عضو سندیکا شده اند، همگی را اخراج کرد و آنها حالا بیکارند.

کوشش کارگران چای برای تشکیل سندیکا

در جمعی که روز دوشنبه ۱۱ تیر، عده ای از کارگران چای، برای بحث و اظهار نظر در مورد تشکیل سندیکای واقعی کارگران ترتیب داده بودند، چند تن از کارگران به وضع وحشتناک و اسف بار این صنعت کارگری اشاره کردند و خواستار تشکیل هر چه زودتر سندیکای خود شدند.

کارگران چای سالهای متعددی در زمان شاه مغلول، برای تشکیل سندیکا تلاش کردند، ولی نتیجه مثبتی عایدشان نشد. اینک، با پیروزی انقلاب ایران، این امکان برایشان فراهم شده که بتوانند از حقوق اولیه خود، که تشکیل سندیکای واقعی است، بهره مند گردند و در مقابل کارفرما، که شرایط کار و امکانات رفاهی کارگران را در نظر نمی گیرد، از خود دفاع کنند.

این کارگران، که روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار میکنند، مزدی در حدود ۵۰ الی ۶۰ تومان دریافت میکنند. محیط کار بسیار کثیف و آلوده است و باعث بیماریهای گوناگون از جمله سل میشود. نبودن بهداشت، کمبود دستگاه تهویه در محیط کار، نبودن وسایل حرارتی در زمستان و وسایل خشک کننده در تابستان و بخصوص کم بودن حقوق از جمله مسائلی است که در این تجمع مورد بحث بود.

پیروزی نسبی کارکنان سازمان خدمات اجتماعی

تحصن کارکنان سازمان خدمات اجتماعی از ۳۰ خرداد در اداره مرکزی این سازمان، که خبر آن در «مردم» (۳۴) آمد سرانجام پس از ۱۵ روز اعتصاب غذای ۱۶ تن و بستری شدن ۵ تن از آنان، در روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه پایان پذیرفت.

در طول تحصن، نمایندگان از نخست وزیر و کمیته مرکزی امام و وزارت کشور با متحصنین تماس گرفتند و قسمتی از خواستههای کارکنان که عبارت بود از: برکنار کردن سرپرست سازمان، که دارای سابق نامطلوب بود، و ادغام سازمان در وزارت آموزش و پرورش، انجام شد، اما هنوز وضع آپارتمانهایی که در خیابان تخت جمشید (ساختمان ۱۰۹) برای کارکنان ساخته شده و اخیراً در اشغال کارکنان درآمده است، روشن نیست.

چرا کادر خدمات با «شورای کارکنان» مخالف اند.

شرکت باتلر - کالدرن، یک شرکت خصوصی با سرمایه مختلط ایرانی و امریکائی است، که مشغول طرح نقشه خطوط گاز رسانی در محدوده گیساران تاسرخس و نکا است. پس از انقلاب شرکای خارجی این شرکت متواری هستند.

پس از آنکه طرح ایجاد «شورای کارکنان»، که از طرف مهندسین و کارمندان شرکت مطرح شده بود، با مخالفت کادر خدمات و رانندگان این شرکت مواجه شد، اکنون موضوع (تشکیلات صنفی)، عملاً مسکوت گذارده شده است.

علت اختلاف رانندگان و خدمه شرکت با طرح ایجاد «شورای کارکنان»، از جمله این بود که آنها معتقد بودند که بدینوسیله خواستههای کارگران و کارمندان تحت عنوان «کارکنان» مخدوش میشود. از طرف دیگر، در یکی از مواد اساتمه پیشنهادی از طرف «شورا»، عنوان شده بود که: «خواستههای کارکنان، بوسیله نماینده شورا به نظر مدیر کل - که خارج از شورا نیز هست - میرسد و مدیر کل درباره آن خواسته رأی میدهد».

رانندگان و کارمندان دون پایه این شرکت با طرح فوق و این مواد مخالف و معترض اند. یکی از رانندگان شرکت «باتلر - کالدرن» میگفت: «ما بعنوان راننده شرکت استخدام شدیم، ولی عملاً از کمترین اتومبیل تا پادوبی و نامه رسانی را نیز به ما ارجاع میکنند و با اینکه حقوق ما کفاف زندگی مان را نمیکند».

در کارخانه ارج چه میگذرد

در رژیم پهلوی کسی در کارخانه جرأت حرف زدن و اعتراض نداشت، چون بلافاصله دستگیر میشد. حالا هم وضعیتی بوجود آورده اند که اگر کسی انتقاد جدی از شورا و یا از مدیران بکند، بجز کمیونیست بودن مورد بی مهری و حتی در معرض تهدید باخراج میگردد.

با آنکه حقوق افرادی مانند ازجمندها و گودرزی ها قطع شده، اما هنوز در کارخانه کسانی هستند که مزایا و حقوقهای ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ هزار تومانی میگیرند. هنوز در کارخانه بازنشستگان ارتشی، که حقوق بازنشستگی هم میگیرند، در ازاء حقوقهای کلان وجود دارند و هیچ کار مفیدی هم انجام نمی دهند، در صورتی که میلیونها نفر از نیروی جوان کارآی مملکت بیکارند.

در این کارخانه هنوز پاکسازی انجام نکرده است و بجز اخراج مدیر امور اداری، که ساواکی بودن او برای همه افراد کارخانه روشن بود، در این زمینه کار دیگری انجام نشده است. عمال کارفرمایان و ساواکیها هنوز در کارخانه فعال هستند و شرایطی بوجود آورده اند که یکی از مهندسین شرکت، که مدتها بخاطر دفاع از منافع کارگران در زندان بود، مجبور به استعفا شد. آنها در محیط کارخانه تفرقه افکنی میکنند و کار را به هرج و مرج کشانده اند.

خواستهای کشاورزان دماوند

- خواستهای کشاورزان دماوند را که به لپشت موج، دهنار، هویز از توابع شهرستان دماوند در نامه‌ای که بدفتر «مردم» رسیده، مطرح گردیده است.
- این خواست‌ها عبارتند از:

 - ۱- لوله‌کشی دیون و بدهی به بانک کشاورزی،
 - ۲- ایجاد راه
 - ۳- پرداخت وام درازمدت به کشاورزان و دامداران جهت گسترش محصولات.
 - ۴- ایجاد مدارس در روستاها.
 - ۵- ایجاد امکانات پزشکی و بهداشتی و تأمین درمانی رایگان.
 - ۶- واگذاری وسایل کشاورزی اعم از تراکتور و بندر مرغوب.
 - ۷- خرید محصولات کشاورزی از طریق دولت.
 - ۸- ایجاد آب لوله‌کشی و بهداشتی در روستاها.
 - ۹- ایجاد شبکه برق و واگذاری آن.
 - ۱۰- ایجاد شرکت و بانک تعاونی.

نامه مطالباتی دهقانان اطراف دماوند، که به «مردم» رسیده با تجلیل از انقلاب و رهبر آن امام خمینی و خلق قهرمان ایران و نقش دهقانان و کارگران آغاز می‌شود و با شعار درود بر رهبر انقلاب ایران پایان می‌پذیرد.

زمینهای دهقانان بزمینان باید بخود آنها پس داده شود

طومار بزرگی با ۷۳ امضاء و اثر انگشت بنمایندگی از طرف سه هزار نفر اهالی دهستان بزمینان، بخش سردشت شهرستان آمل، به دفتر «مردم» تسلیم شده است. صحت امضاء و اثر انگشت و مراتب نامه توسط دهقان قریه تأیید گردیده است. در نامه منجمله چنین گفته می‌شود:

«در بهمن ۱۳۵۲، ۸ تن سرسپردگان رژیم منقور پهلوی، با استفاده از نیروهای انتظامی و سازمان امنیت (توسط کلمی از سرکردگان ساواک مازندران) واداسرای نظامی و بوسیله شکجه و آزار و تهدید و ارباب و هتک حیثیت، جان و مال و ناموس اهالی، حدود سیصد هکتار از اراضی مزروعی را به قهر و اجبار از چنگ ما بیرون آوردند. بدین نحو که ابتدا به بهانه عدم پرداخت اقساط بدهی شرکت تعاونی وابسته به بانک عمران، اقساط چند ساله را یکجا باجرا گذاشتند و چند نفر را به زندان انداختند. همزمان با این اقدام خرمتهای افراد را ضبط نموده و از جمع آوری محصول و خرمن کوبی جلوگیری کردند. همچنین برای ایجاد رعب و هراس و سیله‌عمده‌ای از جماعت داران، مال و ناموس افراد را در معرض تهدید قرار دادند. حتی چندین نفر از اهالی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده‌ای را هم در اصطبل‌ها زندانی ساختند و چهار نفر از متمم‌دین محل را هم سازمان امنیت بردند. رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی نیز گفت آقایان برای شاهپور غلامرضا و شریک ایشان زمین شمارا می‌خواهند.»

در دنیا به طومار دهقانان بزمینان گفته می‌شود. ده مردم ستمدیده و مظلوم قریه، که دیگر هیچگونه تأمین ناموسی و شرفی و جانی نداشتیم و حتی قوت لایموت خود را نیز از دست دادیم، سرانجام با ضرب چوب و چماق و اسلحه، ما را گسره گره بشهر آمل آوردند و در دفتر خانه شماره ۳۴ آمل از ما امضاء گرفتند. حاصل آنکه بدین وسیله ۳۰۰ هکتار از اراضی مزروعی ما را تصاحب کردند و در قبال آن به ما گفتند که بدهی چند ساله شمارا در بانک عمران پرداخت کردیم و بدین ترتیب عده‌ای از نامبردگان صاحب اراضی شدند و عده‌ای دیگر حدود دو میلیون تومان و جوه حاصل از فروش اراضی را به بهانه پرداخت بدهی بالا کشیدند. شکایات ما هم در دوره طاغوت بجائی نرسید. پرونده و اسناد مربوط به معاملات و بالا کشیدن اموال عمومی مردم قریه بزمینان در دفتر خانه ۳۴ آمل و سرپرستی بانک عمران استان مازندران موجود است که جهت احیای حقوق خود تقاضای بررسی و تحقیق آنها را داریم. از آنجائیکه نامبردگان تحت حمایت منحوس پهلوی مرتکب جنایات فوق شدند، احقاق حق و تظلمات ما بجائی نرسید.

دهقانان بحق خواستار ابطال معاملات اجباری اراضی و بازگرداندن زمین به صاحبان اصلی آن، یعنی خود زارعین و مجازات سرسپردگان دستگاه منقور و ایادی شاهپور غلامرضا هستند و می‌نویسند: «الان که انقلاب اسلامی پیروز شده، انتظار ما اینست که در جهت حمایت از حقوق حقه ما و مجازات متجاوزین بحق عمومی اقدام عاجل معمول گردد.»

اخبار دهقانی

چند خبر از روستاهای اطراف الیگودرز

روستاهای علی آباد قاسم آباد و مکی آباد و لیس و حشویب، که در ۱۸ کیلومتری شهرستان الیگودرز قرار دارند، بوسیله شرکت زراعی کشاورزی اداره می‌شوند. اکثر کشاورزان صاحب نسق این روستاها هر کدام ۳۰ الی ۱۰۰ سهم دارند. کشاورزان معمولاً سالیانه در قبال هر سهم حدود ۲۰ کیلوگرم می‌گرفتند و چون شرکت به تعداد کمی کارگر احتیاج داشت و اغلب زارعین زائد بودند، لذا اکثر کشاورزان جهت تأمین مخارج خود مجبور بودند جهت کار به شهرستانها بروند. پس از پیروزی انقلاب، اهالی این روستاها مجمع عمومی تشکیل دادند و جهت بودن یا نبودن شرکت زراعی رأی گرفتند که اکثریت رأی به منحل شدن شرکت زراعی در آن منطقه داد. کشاورزان هر روستا، زمین را به تعداد سهام خود تقسیم و شروع بکار نموده‌اند.

در این چهار روستا شرکت سهامی قبلا به نوبت واهی جهت خانه‌سازی در یک شهرک پرداخت می‌کرد. تعدادی از خانواده‌ها، که امکانات مادی داشته و از وام بهره‌مند شده بودند، به این شهرک منتقل شدند و بقیه، که اکثراً خانواده‌های بی‌چیز و کم دست‌اند، در همان مخروبه‌های ده مانده‌اند. کسانی که به شهرک رفته‌اند، تیرهای چوبی و در و پنجره خانه‌های گلی قبلی خود را جهت استفاده شخصی کشیده‌اند و در نتیجه خانه‌هایی که تخلیه شده‌اند، روی هم ریخته و خراب شده‌اند. اما چون خانه‌های گلی روستاها به هم متکی هستند، لذا خطر خراب شدن خانه‌هایی که هنوز در آنجا زندگی می‌کنند، شدیداً آنها را نزاراحت و مضطرب نموده است.

اهالی روستای علی آباد ۲ نفر نماینده انتخاب نموده و جریان را طی گزارشی، که به امضاء ۶۰ نفر خانواده رسیده بود، به نخست‌وزیری و کمیته امام اطلاع داده و تقاضا نموده‌اند، یا به آنها هر چه زودتر وام پرداخت گردد یا از طریق خودشان برای آنها مسکن بسازند. ولی با اینکه نماینده دولت به آنها اعزام شده و وضع اسفبار آنها را تأیید کرده، پس از ۳ ماه هنوز هیچ اقدامی در این مورد بعمل نیامده است. تحقیق نشان می‌دهد که مالک بزرگ ده کارشکنی کرده است.

در روستای علی آباد صدها هکتار زمین بسیار حاصلخیز، که مالک آن شخصی بنام منوچهر شجاعپور است، در گذشته بلا استفاده باقی مانده و روی آن کشاورزی بعمل نمی‌آید، زیرا که مالک آن، هتک و بیکتوری را در تهران خریده و مشغول هتل‌داری بود. طبق دستور امام خمینی که گفته بود زمینها را بکنیم بکار و بکارند بلا استفاده بمانند، تعدادی خوش‌نشینهای این روستا (کسانی که زمین ندارند و بصورت کارگر مزدبگیر کار می‌کردند) روی این زمین‌ها کار کرده و بنر پاشیدند، ولی مالک با حکم دادستانی و چند نفر مأمور پاسگاه بده آمده، زمین را از دست این زحمتکشان گرفته و آنرا شخم زده و زحمت آنها را، که طبق دستور امام مبادرت به این کار کرده‌اند، به هدر داده است. اهالی این ده به این اقدام شدیداً اعتراض نموده می‌گفتند، مگر نه اینکه اسلام می‌گوید زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند؟ آنها شکایت خود را طی نامه‌ای به دفتر امام در قم فرستاده‌اند.

دهقانان صفر آباد خواستار آب و برق اند

بعد از اصلاحات ارضی شاه مخلوع در سال ۱۳۴۱ و در سالهای بعد از آن، سیل دهقانان مقروض و بضاک سیاه نشسته بسوی شهرها و مراکز صنعتی کارگری سرازیر شد. عده‌ای از روستائیان اطراف زنجان نیز خانه و کاشانه و زمینهای دیمی و بی‌بار خود را رها کرده بشهر مهاجرت نمودند. بدین ترتیب زورآباد و صفرآباد و ... در اطراف شهر، با خانه‌هایی که باخشت خام و گل شبانه ساخته بودند، چون قسارج از زمین روئیدند. با اینکه این خانه‌ها در دوران پهلوی چندین بار روی سر اهالی صفرآباد ویران شدند، اما دوباره دیوارهای گلی آن، همان شبانه بالا رفت. صفرآباد از همان اولین روز پیدایش خود فاقد آب و برق، این اولین و ضروری‌ترین احتیاج انسان امروز بود، صفرآباد حتی به آب گل آلودی نیز دسترسی نداشت تا لااقل اهالی در آن لباسهای خود را بشویند. در صفرآباد آب را در بشکه بفروش می‌رسانند. اهالی صفرآباد روز دوشنبه یازدهم تیرماه در استانداری متحصن شدند تا محل اقامتشان دارای آب و برق بشود. اهالی صفرآباد در سالهای گذشته در اثر مبارزات خود توانسته‌اند تیرهای برق را در محل نصب کنند، لوله‌های بدون آب را کارگذارند، اما هنوز که هنوز است صفرآباد آب و برق ندارد و اهالی واقف در مضیقه هستند. آنها خواستار انجام خواستهایشان هستند.

دهقانان رودسر محتاج آب هستند، باید بانها فوراً کمک شود

مسئله آب، مسئله‌ای جدی و حیاتی در رودسر است. آب‌رسانی به کشاورزی این منطقه حدود ۲ ماه طول میکشد، که هم اکنون کمتر از یکماه آن باقی مانده و بنا بر این دهقانان سخت مشوش و نگران هستند. در شرایط امروز، که تولید کشاورزی نه فقط اهمیت غذایی و اقتصادی، بلکه شدیداً اهمیت سیاسی پیدا کرده است، لزوم حمایت از دهقانان زحمتکش این منطقه کاملاً حس می‌شود. کشاورزان مناطقی روستائی شهرستان رودسر همه ساله در نتیجه بی‌آبی خسارات زیادی را متحمل می‌گردند. آنها می‌گویند: «در محل ما امکانات مختلفی موجود است و اگر در زمان پهلوی توجهی باین امکانات و خواستهای ما نمیشد، علت آن معلوم بود، ولی امروز با تکیه بر مردم و تصمیم در محل، فرمانداری و بخشدار و اداره آبیاری می‌توانند دست بعمل بزنند و دیگر کاغذ بازی اداری را کنار بگذارند». در نامه آنها نوشته شده است: «آیا این مقامات اداری نمی‌دانند که شرب مزارع فقط با اقدامات عملی امکان پذیر است؟ آیا نمی‌دانند که بوسیله پولهای تکیه بمعزنان ۲٪ توسط روستائیان پرداخت شده و موجود است می‌توان نیازهای مبرم و از جمله کم آبی

را مرتفع ساخت؟ آیا نمی‌دانند که چاههای حفر شده بوسیله شرکت‌های وابسته به سرمایه‌داری انحصاری غرب، که بلا استفاده مانده، با کمترین خرج می‌تواند مورد بهره‌برداری کشاورزان قرار گیرد؟» در مطالبی که توسط این دهقانان مطرح می‌شود، سر نوشت بیش از صد هزار نفر جمعیت و سر نوشت تولید زراعی قابل ملاحظه‌ای در میان است. زندگی و آینده دهقانان دهات اوئیان، کبوتر آبکش، چابکس، قاسم‌آباد، واجارگاه، لوزجان، سیاهکلرود، رضا محله، ماچیان و بخشهای رحیم‌آباد و کلاچای و پلرود و غیره در اینجا مطرح است.

خواست این دهقانان چیزی نیست جز استفاده از امکانات محلی و بهره‌گیری از محل موجود و چه که به نسبت دو تومان از هر صد تومان پول چای کسر می‌شود توسط سازمان چای در اختیار شهرداری و بخشدار برای کارهای عمرانی قرار می‌گیرد. در اینجا نه تحمیلی به بودجه دولت مطرح است و نه نیازی به تصمیم‌زاری نه از تهران هست. در شرایطی که ضد انقلاب با آتش زدن محصول و با قطع پمپ آب در کشاورزی ما نیز اخلاک‌گری می‌کند، کمک به دهقانان زحمتکش، که خواستار آزادی تولید هستند، یک وظیفه انقلابی است.

ساکنان افسریه چه می‌خواهند؟

افسریه در جنوب شرقی تهران قرار دارد و منطقه‌ای است کارگر نشین با جمعیتی در حدود ۱۵۰۰۰ نفر. اهالی منطقه در زمان رژیم قاسم محمد رضاشاهی از هر گونه امکانات رفاهی از قبیل آب، برق، تلفن، بهداشتی، اسفالت و در یک کلام حداقل احتیاجات تکیه برای حیات یک انسان، بعنوان ضرورت اولیه زندگی لازم است، محروم بودند.

حال که انقلاب ایران، بیاری نبرد قهرمانانه مردم این منطقه، در اتحاد با دیگر زحمتکشان ایران، به پیروزی رسیده و با توجه به اینکه ساکنین این منطقه، بنا به توصیه رهبر انقلاب، صبر انقلابی پیشه نموده، خواستهای خود را تاکنون فقط از طریق مکاتبه با مسئولان امور دولتی در میان گذاشته‌اند، با اینهمه دولت حوقت هیچ اقدام مثبتی در جهت خواستهای زحمتکشان این منطقه نکرده است.

یکی از احتیاجات اساسی ساکنین این منطقه تأمین برق است که در این هوای گرم، از عمده‌ترین نیازهای هر خانواده است. مشکلی که مردم این منطقه برای تأمین برق مصرفی خویش دارند اینست که هر شب بعد از آنکه از کار خسته‌کننده روزانه به خانه بر می‌گردند، باید بسا ساکنین خیابانی که در آن برق کشی شده گلاویز شوند. توضیح آنکه خیابانها بصورت موازی و ده متری به فاصله ۵ متر از هم قرار دارند و از یک الی ۴۵ شماره گذاری شده‌اند؛ مثلاً در یک خیابان برق کشی شده و چندین خیابان بعد از آن برق کشی نشده، در نتیجه ساکنین این خیابانها برای تأمین برق خویش، خود اقدام به سیم کشی از خیابانی که برق کشی شده می‌کنند، که اولاً بعلت وارد نبودن کسی که سیم کشی می‌کند، خطر جانی وجود دارد، ثانیاً در نتیجه استفاده بیش از حد از یک فاز، یا بعبارت دیگر بار زیاد، موجب از کار افتادن یخچال و سایر وسایل برقی، که ولتاژ آنها تنظیم شده است، می‌شود، و این جریان در موقعت حساس کنونی تخم کین و نفاق میان نشان می‌افشاند.

البته چندین بار مسئله با مقامات مسئول مطرح شده که گفته‌اند فلان دولت بودجه ندارد! ساکنین افسریه می‌گویند، ما حاضریم مجانی کار کنیم و هزینه آنرا نیز بپردازیم. ولی با همه اینها همچگونه اقدامی از طرف مسئولان دولتی صورت نکرده است. سؤال اینست که، چه کسانی دست‌اندر کارند تا نظر زحمتکشان را، که سهمی واقعی در به ثمر رساندن انقلاب داشته و یکپارچگی خود را حفظ نموده‌اند، نسبت به انقلاب بدبین کنند؟ و چرا بخواستهای بحق آنان پاسخ داده نمی‌شود؟

ساکنان این منطقه می‌گویند، در صورتیکه بخواست آنان رسیدگی نشود، آنان در اداره برق دست به تحصن خواهند زد.

زمینهای زراعی ما سال را بخود دهقانان بدهید

تکراراً از جانب دهقانان ما سال به مردم، مراجعه شده است. این دهقانان می‌طلبند که حقوق مسلم آنها بر زمین از طرف مقامات مربوطه برسمیت شناخته شود. این زمینها مال خود این دهقانان بود، ولی در زمان رژیم غارتگر پهلوی، نکر از عمال ساواک تمام سر تیب سعادتمند، این اراضی را از دست دهقانان در آورد و بزور تصرف کرد. دست عادل انقلاب، این ساواکی مالک را ب مجازات خود رساند و او معدوم شد. ولی حالا دهقانان بحق می‌طلبند که اصل مطلب هم حل شود و زمینهای زراعی بخود دهقانان، که زحمت میکشند و

توطئه دامنه‌داری که امپریالیسم تدارک دیده:

کتاب سوزان و حمله وسیع ضد انقلاب به آزادیهای دمکراتیک

■ حزب توده ایران، یکبار دیگر،

ضمن محکوم کردن حمله به آزادیهای

دمکراتیک، جداً خواستار جلوگیری از اینگونه

اعمال است.

ضد انقلاب توطئه سازمان یافته‌ای را علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی در نقاط مختلف به اجرا گذاشته است. عناصر مشکوک چندی است در شهرهای مختلف به دفتر حزب توده ایران حمله میکنند، باشیوه‌های فاشیستی وسایل این دفتر را درهم میکشند، پوستر شهدا را پاره میکنند و رفقای حزبی ما را مضروب می‌نمایند. در چند شهر هم افراد سازمان یافته ضد انقلابی به کتابفروشیهای که نشریات حزب در آن فروخته میشود، حمله کرده و حتی کتابسوزان براه انداخته‌اند.

بر اساس اخبار رسیده، در چند روز گذشته موارد زیرین دیده شده است.

زنجان

روز سی‌ام خرداد گذشته، برای اولین بار بعد از آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران در زنجان، عناصر مشکوک به بساط فروش نشریات حزب توده ایران حمله کردند. آنها که به هیچ منطقی گوش نمی‌دادند، پوستر رفقای شهید روزبه، حکمت‌جو، و کیلی و روزنامه مردم را پاره کردند و گریختند. بدنبال این ماجرا، این افراد کوشیدند مردم را علیه حزب توده ایران تحریک کنند، اما با افساء و محکوم کردن عمل آنها از طرف سازمانهای مترقی مذهبی، تیرشان به سنگ خورد.

اراک

روز دوشنبه یازدهم تیرماه، هنگامیکه یکی از هواداران حزب توده ایران در خیابان امام خمینی اراک مشغول پخش اعلامیه «حزب توده ایران و مذهب» به نقل از روزنامه مردم بود، مورد حمله یک ناشناس قرار گرفت و بشدت مضروب شد. ماجرا باین ترتیب رخ داد که وقتی رفیق ماسرگرم پخش اعلامیه بود، فردی به او نزدیک شد و گفت: «بده ببینم چه چیزی پخش میکنی؟» رفیق ما یک اعلامیه به شخص ناشناس داد و این شخص به محض دیدن نام حزب توده ایران اعلامیه را پاره کرد و شروع بدشنام دادن نمود و به رفیق ما یورش برد. رفیق ما با او گفت: «اول اعلامیه را بخوانید، اگر بد بود، آنرا پاره کنید.» اما شخص ناشناس بدون توجه به این حرف سعی کرد بقیه اعلامیه‌ها را گرفته پاره کند. رفیق ما، که متوجه منظور او شده بود، سعی کرد عابران را، که متوجه ماجرا شده بودند، در جریان بگذارد و اعمال شخص ناشناس را افساء کند. وقتی عابران، در مقابل توضیحات رفیق ما، حق را با او دادند شخص ناشناس در حالیکه به حزب دشنام‌های رکیک میداد، باز هم به رفیق ما حمله کرد و او را بشدت مضروب نمود. شدت حمله بحدی بود که رفیق حزبی ما چند روز در بیمارستان بستری شد.

پابلسر

در پابلسر هم ضد انقلاب، حمله وسیعی را به نیروهای مترقی به انجام رساند. این توطئه توسط چند شخص سرشناس، که سابقه همکاری با ساواک داشته‌اند، در مدرسه عالی پابلسر، که اکنون مدرسه عالی «ابوب معادی» نامیده میشود، به مرحله اجرا در آمد. آنها بعد از انتخابات شورای مدرسه عالی پابلسر، به این بهانه که شورا بدست کمونیستها افتاده و رئیس مدرسه عالی چپی است، فعالیت وسیعی را علیه نیروهای مترقی آغاز کردند و سرانجام ساعت ۷/۵ بعد از ظهر شنبه نهم تیرماه، در حالیکه نزدیک به ۳۰ نفر را، که به قه و چاقو و تیغ مسلح بودند، راهنمایی میکردند، از بیرون وارد محل مدرسه عالی شدند؛ ابتدا به طبقه چهارم رفتند و در آنجا به اتاق دانشجویان پیشگام دیدگر گروها یورش بردند، وسایل اتاقها را درهم شکستند و مقدار زیادی لوازم دیگر را همراه بردند.

این گروه مشکوک، در سالن دانشکده عکس‌شدهای خلق را، که در مبارزه با رژیم شاه مخلوع خون خود را به پیشگاه توده‌ها هدیه کرده بودند، پاره کردند. و بعد به دفتر انجمن دانشجویان دمکرات حمله بردند، نشریات و کتابهای موجود را پاره کردند، وسایل دفتر را درهم شکستند و روی تمام دیوارهای مدرسه عالی شمارهای ضد کمونیستی نوشتند، جالب اینکه نیمی ساعت بعد از هجوم این عناصر مشکوک، مأمورین کمیته شهر پابلسر به پشتیبانی از حمله کنندگان به محل آمدند و تا پایان عملیات وحشیانه ضد انقلابیون، با تفنگ از آنها پشتیبانی کردند.

روز بعد دانشجویان دمکرات و دیگر گروههای مترقی مدرسه عالی پابلسر، در اعلامیه‌های خود این یورش وحشیانه را محکوم کردند. اما، صبح روز بعد، این گروه، در حالیکه شمارهای ضد کمونیستی میدادند، دوباره به محل مدرسه عالی آمدند و یکی از عناصری که قبلاً با ساواک همکاری میکرد، برایشان سخنرانی کرد که البته چیزی غیر از افترا و فحاشی به کمونیستها نبود. بدنبال این

پوستر پاره کن‌ها چه کسانی هستند؟

در شماره ۳۷ روزنامه «مردم» مطلبی تحت عنوان «پوستر پاره کن‌های حریف‌های را دستگیر کنید» نوشته شده بود که در آن لزوم مبارزه با این عناصر تشریح شده و از جمله در مورد هویت این افراد گفته شده بود که، بیشتر اینها از اوباشان، معتادان و ولگردان هستند. در آن مقاله همچنین آمده بود که اینها بصورت گروههای انگشت‌شمار در خیابانها پوسترها و عکسهایی را که بدیوار زده شده‌اند، پاره میکنند و از ترس عکس العمل مردم سرعت فرار میکنند و اغلب اتومبیلی برای گریز از صحنه به همراه دارند.

گزارشهای بعدی، ماهیت واقعی این عناصر را بیشتر روشن ساخت و آشکار شد که این عناصر، بویژه آنها تیکه به پوسترها و نشریات دیواری حزب توده ایران هجوم می‌برند، از افراد ساواک‌اند و طبق مأموریت مشخص و بگونه سازمان یافته‌ای به این عمل دست می‌زنند.

یکی از گزارشگران «مردم» مینویسد:

«روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه، ساعت ۱۳/۱۵ از محل کارم به طرف دانشگاه تهران میرفتم. به دو نفر، که در حدود ۳۵ سال سن داشتند، برخورد کردم که سرمقاله‌ای از «مردم» را، که بر دیوار بانک ملی ایران و جلوی دبیرستان انوشیروان دادگر، رو بروی هتل پالاس چسبانده بود، پاره میکردند. هنگامیکه به آنها اعتراض کردم، ابتدا گفتند: «اینجا کشور اسلامی است و ما همه اعلانات حزب توده را پاره میکنیم». در این موقع دیگری شروع به فحاشی به حزب توده ایران کردند. من با او گفتم: «اگر توطئه‌دار اسلام هستی، اسلام هیچگاه چنین طرز برخوردی را با گروههای دیگر مجاز نمیشمارد، این چه اسلامی است که توداری؟» آنها مجدداً شروع به فحاشی کردند و ناگهان گفتند که: «ما ساواکی هستیم و همه اعلانات حزب توده را پاره میکنیم». من درصدد برآمدم مردم را به کمک بطلم و وسیله مردم آنها را دستگیر کنم. ولی در آن موقع روز هیچ عبور و مروری در آن محل نبود و من هم به تنهایی قادر به این کار نبودم. آنها سپس بطرف یک اتومبیل ب.ام. و قهوه‌ای رنگ رفتند.»

از گزارش فوق چند نتیجه بسیار مهم بدست می‌آید، نخست آنکه ضد انقلاب بر نامه کاملاً سازمان یافته‌ای بویژه در ارتباط با مبارزه علیه حزب توده ایران طرح‌ریزی کرده و با پیگیری آنرا دنبال میکنند. دوم این که ماهیت عناصری که بدفاتر حزب و فروشندهگان نشریات حزب حمله میکنند، روشن‌تر میشود. سوم اینکه دخالت قاطع و سریع دولت در ممانعت از اینگونه اقدامات ضد انقلابی ضروریتر میگردد. چهارم این که ضد انقلاب جسورتر و بی‌پروا تر شده، تاحدی که صریحاً به اعمال ضد انقلابی و ماهیت کثیف خویش اعتراف و خود را معرفی میکنند.

هیچکس تردید ندارد که سازمان جهنمی و جنایتکار ساواک، دست پرورده «سیا» و اجراء کننده طرح‌های آنست و در این واقعیت تردیدی نیست که هر چه انقلاب ایران ضربات محکمتری بر منافع امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن وارد میکند، ضد انقلاب نیز خشمناکتر و مضطرب‌تر شده و اقدامات خود را شدت میبخشد. چند هزار ساواکی با جدیت تمام به اجرای طرح‌ها و توطئه‌ها و تحریکات سازمان یافته سیا مشغولند و در این راه زیانهای جدی به انقلاب ما وارد میسازند. تجربه نشان داده که این عاملان کثیف و جنایتکار ضد انقلاب و این حامیان فساد و اختناق، بزرگترین تکیه‌گاه امپریالیسم در کشور ما هستند و در خدمت به آن از هیچگونه ذلتی ابا ندارند. دولت موقت موظف است با پیگیری و برخورد مسیولانه، ساواکیها یعنی، عمال جنایتکار رژیم تبهکار پهلوی را تعقیب و به مجازات در خورشان برساند. آزادی ایشان بزرگترین خطر برای انقلاب ماست.

یورش امتحانات مدرسه عالی پابلسر متوقف شد و استادان و اعضای هیئت علمی، که توسط ضد انقلابیون تهدید به تکه تکه شدن با چاقو شده بودند، برای مطلع کردن مقامات مسؤل به تهران رفتند.

بروجرد

شب یازدهم تیرماه هم شبیه این حوادث در بروجرد تکرار شد. ساعت ۱۱ این شب، گروهی با شعار «مرگ بر کمونیست» به خیابانها ریختند و قصد آتش زدن کتابفروشیها و دکاهای فروش نشریات را داشتند که با مخالفت یک گروه مذهبی روبرو شدند و متفرق گردیدند. ساعت ۸ شب بعد، گروهی نزدیک به ۵۰ نفر به خیابان مرکزی شهر ریختند و در حالیکه شعار «امشب همدار، فردا کشتار» و همچنین شعارهای ضد کمونیستی میدادند، به حرکت درآمدند و برخی از روزنامه‌هایی را که در دکاهای روزنامه فروشی شهر وجود داشت، پاره پاره کردند. این گروه که تعدادشان به نزدیک ۳۰۰ نفر رسیده بود، سپس به میدان بروجردی رفتند تا سیمسا داریوش را، که یک فیلم آموزنده نشان میداد ویر از تماشاچی بود، آتش بزنند. تماشاچیان سینما، که از تکرار حادثه سینما رکس آبادان حراس داشتند، سراسیمه بیرون ریختند. مخالفت مردم و دخالت کمیته باعث شد که مهاجمان از تصمیم خود منصرف شوند.

مهاجمان بعد از این حادثه مسیر خود را عوض کردند و به طرف کتابفروشی نیما در خیابان مصدق رفتند و شیشه‌های آنرا شکستند. مهاجمان میخواهند کتابفروشی را آتش بزنند که با اعتراض شدید همسایه‌ها روبرو شدند و بناچار منصرف گردیدند. مهاجمان، که عده‌ای مسلح هم همراهشان بودند، به کتابفروشی روزبه، که در آن نشریات حزب توده ایران فروخته میشود، حمله کردند. شیشه‌های کتابفروشی را شکستند، همه نشریات و کتابهای موجود، از جمله مقادیری کتابهای مذهبی را بوسط خیابان ریختند و به آتش کشیدند. بر اساس اخبار رسیده، متأسفانه در میان مهاجمان، چند تن از افراد کمیته بروجرد و یکی از سرپاسداران، که قبلاً مانع اعمال ضد دمکراتیک میشدند، دیده شده‌اند. روز بعد، با اینکه همه کتابفروشیهای شهر بسته بود، گروهی نزدیک به ۲۰ نفر، با همان شعارهای شب قبل در خیابانها حرکت کردند، اما درگیری پیش نیامد.

بدنبال این حوادث، مسئولین کتابفروشیها دسته جمعی به کمیته رفتند و خواستار حفظ آزادی و امنیت محل کسب و کار خود و تعقیب مسببین حوادث چند روز گذشته شدند. مسئولان کمیته بروجرد ضمن تأیید آزادیهای دمکراتیک و محکوم کردن اعمال انجام شده، تهدید سپردند که در صورت تکرار این وقایع، مأمورین مسلح کمیته دخالت خواهند کرد. اما دوشب بعد، باز هم چند فرد مشکوک با چاقو به کتابفروشیهای کنار خیابان حمله کردند، و با اینکه تلفنی ماجرا به کمیته خبر داده شد، کمیته بر خلاف قولی که داده بود، هیچگونه عکس العملی نشان نداد.

گروه اسلامی شریعت، طی اطلاعیه‌ای این اعمال را محکوم کرد و نوشت: «شب گذشته برای سومین بار شاهد نفوذ ارتجاع و عوامل ضد اسلامی و ضعف دستگاههای اجرائی شدیم. تظاهرات عده‌ای افراد ناآگاه و تحریک شده بوسیله افراد مرتجع و ضد انقلاب اسلامی، منجر به آتش کشیده شدن کتابها و تخریب کتابفروشیهای وابسته به چپ گردید.»

در حال حاضر از ۷ کتابفروشی بروجرد، تنها ۲ کتابفروشی باز است.

تهران

این حوادث، که بیگمان توسط ضد انقلاب تدارک دیده شده، تنهادر شهرستانها اتفاق نمی‌افتد. روز شانزدهم تیرماه فردمشکوکی در یکی از کمیته‌های تهران هم نشریات حزب ما را به آتش کشید. ماجرا از این قرار بود که وقتی یکی از رفقای ما در میدان شوش سرگرم فروش مردم و دیگر نشریات حزب بود، چند فرد مشکوک مزاحمش شدند و چند دقیقه بعد دو مأمور کمیته از راه رسیدند و به رفیق ما گفتند: «فروش روزنامه مضره ممنوع است». رفیق ما به آنها گفت: «طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران فروش نشریات آزاد است و با اضافه روزنامه مردم مطلب مضره ندارد.» دو مأمور از رفیق ما خواستند برآی، توضیح بیشتری به کمیته ببرد. اول او را به کمیته خیابان جنوبی میدان شوش بردند. شخصی که آنجا بود، در قبال توضیحات رفیق ما گفت: «راستش من از سیاست سرد نمی‌آورم!» رفیق ما را از آنجا به کمیته میدان خراسان بردند و چون در آنجا هم نتوانستند تصمیم بگیرند، او را به کمیته مسجد لرنزاده فرستادند. شخصی که در آنجا بود، ابتدا سعی کرد ثابت کند که روزنامه مردم

«ضد انقلابی» است؛ اما در مقابل استدلال رفیق ما، حرف آخرش را زد و گفت: «آزادی قلم و بیان فقط باید برای اسلام وجود داشته باشد.» بعد دستور داد روزنامه‌ها و کتابهای رفیق ما را آتش بزنند و پاسداران هم همین کار را کردند.

حزب توده ایران، یکبار دیگر ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال، اعلام میدارد، ادامه حمله به آزادیهای دمکراتیک بیش از همه بسود ضد انقلاب تمام میشود. امپریالیسم و ارتجاع نه فقط از این اعمال بسود هدفهای شوم خود سوء استفاده میکنند، بلکه بوسیله عمال خود در سازمان دادن این اعمال ضد انقلابی دست دارند. از طرف دیگر مرکز کشیدن بین مسلمانان و غیر مسلمانان، توسط برخی عناصر مشکوک که در کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند، به تفرقه مردم می‌انجامد و این آن چیزی است که امام خمینی بحق آنرا سم مهلک برای انقلاب میدانند.

ما از مسئولان مملکتی جداً میخواهیم که با قدرت مانع اجرای توطئه‌های ضد دمکراتیک شوند و هر چه زودتر کمیته‌ها را پاک سازی کنند.

نقد سینما

ابعاد فاجعه آفرین يك «تجربه»

فیلم «شب روی شیلی» ، روایت کودتای خونین سپتامبر ۷۳ شیلی است . فاجعه‌ای که آرمانها و آرزوهای انسانی و آزموهای دشوار و دردناک نسلی کامل از خلق مبارز شیلی را به پایانی خونبار کشاند . فیلم تا دستیابی به يك پرداخت هنری سالم و تکنیک سینمایی قوی ، راهی دراز دارد . اما بی گمان نمونه‌ای از سینمای متعهد و یکبار جوانی است که افشاگری سیاسی و تهبیج انقلابی را هدف اصلی خود قرار داده است . درینا که در سینماهای تهران ، این انتظار را نیز از فیلم میگیرند . فیلم «شب روی شیلی» دو بار ، از صافی سانسور گذشته است ، یکبار بروی میزمتولیان «فرهنگی» و بار دیگر در روی میز «دوبلاژ» .

ضعفها و نقائص فی «شب روی شیلی» قابل درك است . سینمای مردمی شیلی ، در اوایل سال ۱۹۶۰ ، با تأسیس «کانون سینماگران انقلابی» پا گرفت و تا زمان کودتای گامهای مؤثری در آگام سازی توده‌ها برداشت و آثار ارزنده‌ای به سینمای جهان عرضه نمود . با افول خونین دموکراسی در شیلی ، سینمای سیاسی شیلی ، مانند دیگر میراثهای فرهنگ خلق ، به قربانگاه فاشیسم برده شد . سینماگران جوان انقلابی تار و مار شدند . عده‌ای که موفق به مهاجرت شده بودند ، در دیگر کشورهای آمریکای لاتین ، با شرایطی دشوار و توان فرسا ، کار خود را از سر گرفتند . بدینسان ، سینمای «تیمیدی» شیلی در میان خون و شکنجه و بیداد متولد شد . سینماگران مهاجر شیلی ، در کنار فیلمهای کوتاه مستند سیاسی ، به باز آفرینی واقع‌گرایانه جنایات کودتاچیان می‌پرداختند . نوعی واقع‌گرایی صریح و خشن ، بدون آرایش‌ها و زیورهای «هنری» برسینمای سیاسی امروز شیلی حاکم است ، که رگه‌هایی از آن در فیلم «شب روی شیلی» قابل مشاهده است .

مضمون اصلی فیلم ، حوادث کودتای نظامیان است . که به دلایلی که بر شمردیم ، تا حد زیادی در ابهام و ناروشنی مانده است . چهره امپریالیستهای آمریکایی و شرکتهای چند ملیتی و بیوزنه آی. تی. و صاحبان «اناکوندا» ، اولیکارشی زر و زور و تزویر (سرمايه داران بزرگ شیلی ، فرماندهان مرتجع ارتش و گردانندگان دستگاه بوروکراتیک ، بخش ضد خلقی و وحشت‌زده کلیسای کاتولیک) ، که سازمان دهندگان کودتا هستند ، روشن نمیشود ؛ تزلزل قشرهای میانه و عواقب هجوم عظیم تبلیغاتی و کارشکنی‌های اقتصادی بر روی توده مردم با زتابی در فیلم ندارد . سرگردانها و اشتباهات جبهه مؤتلفه ملی نیز جای واقعی خود را در سلسله عوامل و اسباب این رویداد خونین پیدا نمیکند . فقط این بجای میماند که ، بر روی شیلی شب سیاه فاشیسم گسترده میشود .

در سپتامبر ۱۹۷۳ ، نهال مقدس دموکراسی در شیلی به زیر «پاشنه آهنین» نظامیان میافتد . نیروهای موتوریزه ارتش وابسته به آمریکا و مچری خواست انحصارها و بورژواها ، «سانتیاگو» زحمتکشان را فتح میکنند . طی چهار روز نبرد نابرابر ، دهها هزار تن از پیشاهنگان طبقه کارگر به قتل رسیدند و بزندانها افتادند . آمریکا صریحاً اعتراف کرد که عاملان سیا و پنتاگون طرح اصلی کودتا بوده‌اند . از فردای کودتا قتل‌عام وسیع هواداران دولت آلبنده ، دولت جبهه مؤتلفه ملی ، آغاز شد . فیلم «شب روی شیلی» خشونت و روشهای ددمنشانه‌ی گوریل‌های شیلی را رسوا میسازد و یکی از وحشیانه‌ترین جنایات امپریالیسم آمریکایی علیه خلقهای ستمدیده‌ی جهان را بازمینماید .

ساختمان فیلم سست ، آشفته و رنگ باخته است . فیلم بانمای عمومی شهر ماتم‌زده و خاموش «سانتیاگو» آغاز میشود . در قلب شهر ، حرکت وقیح و تهدیدکننده‌ی يك کامیون ارتشی ، این آرامش را مهدرد . نظامیان مسلح يك جوان رزمنده را تعقیب میکنند . جوان به خانهای دوستش «مانوئل» پناهنده میشود . «مانوئل» که ، از دردسهای سیاسی بیزار است و مایل است «بی‌طرف» بماند ، ناخواسته به جنگ جلاخان «پینوشه» می‌افتد . از این پس یکی از خطوط اصلی فیلم ، که کما بیش سالم مانده ، مشاهدات مانوئل است در شکنجه‌گاهها و «استادیوم» . از مقاومت دلیرانه کارگران در کارخانه‌ها و کوی کارگران حرفی بیجان نمی‌آید . تنها تسلیم آنهاست که نشان داده میشود . همچنین از فاجعه‌ی خونین «استادیوم» و نیز کشتارهای گروهی دار دستهای پینوشه خبری نیست . سازندگان فیلم خود به ضعفهای کار خود باور دارند ، «خوان گونزالس» می‌گوید :

«سینما با واقعیت فرق میکند . واقعیت صدها بار از فیلم بدتر است .» بافت و ساختمان فیلم میان پرداخت دراماتیک و داستانی‌یک زندگی و بیان تاریخی يك فاجعه ، سرگردان است . در نتیجه نه شخصیت مانوئل به درستی تصویر میشود و نه حوادث کودتا دنبال می‌گردد . فیلم در اقلای خشونت حیوانی نظامیگری به موفقیتهایی دست می‌یابد ، از جمله صحنه شکنجه‌گاه یا اعدام کودک و تیرباران دروغین مانوئل ، که برای شکستن مقاومت او انجام می‌گردد .

در فیلم تماویر درخشانی از تجسم قدرت غیر انسانی فاشیسم به چشم می‌خورد . کلاه‌خودی که چهره کشیک را پوشانده است ، یا

گروههانی در ارتش برای کودتا تدارک می‌بینند

نامه‌ای با مضمون زیرین به «مردم» رسیده است :

«در درون ارتش از جانب عناصر وابسته به رژیم پهلوی ، که هنوز تصفیه نشده‌اند ، گروههانی بنام «ضربه انتقال» تشکیل شده است . این گروهها ، که مخفیانه فعالیت میکنند ، ضمن تبلیغ خصمانه بر علیه انقلاب و امام خمینی ، برای کودتا تدارک می‌بینند .»

بادی از يك کارگر کهنسال توده‌ای

سال گذشته ، در چنین روزهایی ، محمد احمد نژادان ، کارگر توده‌ای کهنسال درگذشت . بر سنک نیشته‌گوری ، در نقطه دور افتاده‌ای از جنوب کشور ، بنام او در دفاتر ، چنین میخوانیم : «نمیرم و نمیرند کسانی که ره خلق بگیرند.» زنده یاد مبارز توده‌ای ، محمد احمد نژادان ، متولد سال ۱۲۸۰ و متوفی بتاریخ ۱۳۴۷/۵/۲۷ همدوش مردم مبارز کرد ، یار زحمتکشان بود ، خودش زحمتکش و خواهان پیروزی طبقه کارگر . با امید به اینکه پیروزی نزدیک است ، نیست و هنگامیکه طلایه انقلاب نزدیک میشد ، از میان ما رفت . وی کارگری توده‌ای بود در بخش ماشینهای سنگین سی. ام. دبل یو ، در آبادان ، در شرکت نفت کار میکرد . در سال ۲۵ تجسم آرمانهای خویش را در حزب توده ایران یافت و به آن گروید . پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ، تحت تعقیب قرار گرفت و بناچار با کمک همزمانش از شهر گریخت و به ده موطنش ، «اوز» آمد و بکشاورزی پرداخت . وجه مشخصه او عشق بی‌پایانی به حزب توده ایران و آرمانهای طبقه کارگر بود . دوستانش میگویند که بجز ابرام می‌توان گفت که در تمام مدت فعالیت رادویوی يك ایران ، مگر اجباراً ، او حتی یکروز از گوش دادن برادیوی يك ، این آرای بی‌بند توده زحمتکش باز نیاستاد . همیشه میگفت ، من با حزب پیوند دارم . وقتی از او میپرسیدند ، چگونه می‌گفت ، از طریق رادیوی يك ! بسیاری از جوانانیکه سردوگم روزگار نچشیده‌اند و دل بجمله - پردازیها خوش می‌کردند ،

رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال

اخیراً نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال در نزدیکی لیسبون - مرکز بزرگ کاری و صنعتی پرتغال ، در شهر باریرو ، زیر شماره «همراه پرتغال در راه دموکراسی» برگزار شد .

رفیق الواروکونوال ، دبیر کل حزب ، گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال را با اطلاع شرکت‌کنندگان در کنگره رسانید . وی ضمن تحلیلی از اوضاع سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله گفت :

«حزب کمونیست پرتغال استوارترین و پیگیرترین مدافع آزادی ، دستاوردهای انقلاب ما ، مدافع رزمنده و خستگی‌ناپذیر وحدت طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و پرچمدار تلاش برای نزدیکی و تقاضای عمل مشترک همه دموکراتهای کشور است . زندگی نشان میدهد که بدون زحمتکشان و حزب کمونیست نمیتوان از دموکراسی حمایت کرد و آنرا پا برجا داشت .»

رفیق کونوال افزود : «تقویت حزب کمونیست نه تنها پاسنگوی کمونیستها ، بلکه همه کسانیست که خواستار پیشرفت پرتغال در راه آزادی و دموکراسی و ترقی و استقلال ملی هستند .»

رفیق الواروکونوال اعلام داشت که ، «نیروهای امپریالیسم و ارتجاع قادر نیستند که تاریخ بشریت را ، که در راه آزادی و استقلال ، صلح و ترقی اجتماعی گام بر میدارد ، متوقف سازند . گواهد صادق این امر حضور نمایندگان نخستین کشور سوسیالیستی در جهان ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، و سایر کشورهای سوسیالیستی ، نمایندگان احزاب قهرمان کمونیست کارگری و جنبش آزادیبخش ملی از دهها کشور در کنگره حزب کمونیست پرتغال است .»

پس از گزارش رفیق الواروکونوال ، نمایندگان کنگره در بحث خلاق و آزاد ، به بررسی زندگی و سیاست حزب پرافتخار خود پرداختند .

رفیق علی خاوری ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، به نمایندگی از جانب حزب توده ایران ، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران را به کنگره ابلاغ نمود که در آن از جمله گفته میشود :

«خوشوقیم از اینکه بمناسبت حادثه بزرگ و تاریخی اجلاس نهمین کنگره حزب شما ، صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به کمیته مرکزی ، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال رفیق الواروکونوال و همه اعضاء حزب پرافتخار کمونیست پرتغال ، که با یکبار قهرمانانه خود قلب رزمندگان واقعی راه آزادی و استقلال خلق را ، مالمال از احترام و شادی کرده است ، تقدیم داریم .»

نبرد دلیرانه حزب شما از ابتدای تأسیس آن در ۱۹۲۱ ، در دوران کار مخفی علیه فاشیسم ، برای آزادی و حقوق دموکراتیک خلق پرتغال ، بخاطر استقلال و آزادی تمام خلقهای اسپان و زندانی بیداد و مستحکومت خودکامه و مستحکم پرتغال ، بحق احترام عمیق خلق زحمتکش میهن ما را برانگیخته است .

حزب کمونیست پرتغال ، که در دوره مبارزات سخت آبدیده شده است ، همواره به مبارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پیروتری ، به تعهدات مقدس خود در قبال طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا ، تأمین دموکراسی ، استقلال ملی و تلاش برای بهبود شرایط زندگی زحمتکشان ، تحکیم هر چه بیشتر همبستگی با کشورهای سوسیالیستی ، احزاب کمونیست و کارگری ، جنبشهای آزادیبخش ملی ، بخاطر استقلال و آزادی وفادار بوده است .

حزب شما با حزب توده ایران ، که در شرایط سخت فاشیستی دیکتاتور خائن و وطن فروش ، یکی از جلاخان بزرگ قرن ، صدها و صدها شهید و هزاران زندانی مبارز داده است ، همبستگی برادرانه و فعال داشته است . این همبستگی در دوران درگیریهای بزرگ و مبارزات کم نظیر انقلابی خلق ایران با دیکتاتور سرسپرده امپریالیسم آمریکا ، نسبت به خلق ایران ادامه داشت .

حزب شما ، طبقه کارگر شما و سایر زحمتکشان کشور شما ، در این نبرد سرفروش ساز خلق ایران ، در جبهه دوستان و حامیان بی‌قید و شرط انقلاب بزرگ خلق ما قرار داشتند . این همان جبهه شناخته شده کشورهای سوسیالیستی ، احزاب کمونیست و کارگری و مردم زحمتکش و صلحدوست سراسر جهان است که در مقابل نیروهای امپریالیسم ، صهیونیسم و حامیان جنگ و تجاوز با استقلال ملی و آزادی خلق قرار گرفته است .

رقبای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران ، بنام همه اعضاء حزب توده ایران ، برای کنگره شما ، برای کمیته مرکزی حزب شما ، برای شخصی رفیق الواروکونوال و برای همه افراد حزب کمونیست پرتغال ، این رزمندگان راستین استقلال و دموکراسی ، صلح و سوسیالیسم کامیابهای درخشانتری آرزو میکنند .

نهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال با موفقیت کامل پایان یافت . اینک رزمندگان کمونیست پرتغالی ، با نیرو و امید جدیدی ، به مبارزه برای حفظ و تحکیم استقلال و دموکراسی و بهبود وضع زحمتکشان در پرتغال ادامه میدهند .

در مقابله با سخن پرشور او ، که با حرارت يك جوان و با منطق يك کارگر آگاه و آبدیده سخن میگفت ، در میماندند . در سال ۱۳۵۲ ، در سن ۷۲ سالگی دچار یکی از یورشهای ساواک شد ، گرفتار دژخیمان گشت و شش ماه در زندان عادل آباد شیراز زندانی بود . در اینجا او بستنی چند از سرداران حزبش ، افسران توده‌ای ، که در آن زمان بیست سال

از زندانی شدن نشان میگذاشت ، آشنا شد . دستها و دلها بهم گره خورد . کارگر کهنسال هرگز مهر این یلان در بند را ، که صمیمانه بخاطر جزبشان و آرمانهایشان رنج و سختی را بر خود هموار میکردند ، از دل بیرون نکرد و تادم مرگ بهاد آنان بود ، اگر چه نتوانست آزادی افسران توده‌ای را بعد از ۲۵ سال

زندانی به بیند . او تا آخرین لحظه عمرش عشق بی‌پایانش را بحزب بیان میداشت و آخرین وصیتش به جوانانی که او را میشناختند این بود که ، «حزب را فراموش نکنید!»

بسیارند کسانی که در خوزستان و در فارس خود رافرو زندممنوی او میداندند ! یادش را گرامی میدارند و برایش میروند .

نماینده «مردم» در سفارت جمهوری عراق

روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸ ، بمناسبت سالگرد انقلاب مراسمی در سفارت جمهوری عراق برگزار شد که نماینده «مردم» نیز بنا بدعوت رسمی سفارت جمهوری عراق در این مراسم شرکت کرد .

تسلیت

با اندوه فراوان ، از خبر درگذشت مادر رفیق شهید مرتضی کیوان اطلاع یافتیم . این ضایعه را به خانواده کیوان صمیمانه تسلیت میگوئیم . «مردم»

چکمه‌ی پولادینی که سر مبارزی را میفشارد . مضمون داستانی فیلم ، تغییر تدریجی شخصیت مانوئل ، از صورت يك انسان بی طرف یا خشن ، به سوی رزمندگی است . او در عین بی طرفی ، به همکاری با نظامیان مظهر سلطه امپریالیستها رضایت نمی‌دهد . ناتوانی فیلم در پرداخت صحیح این مضمون ، بیشتر ناشی از فقدان بینشی تحلیلی در بررسی مناسبات حاکم بر جامعه‌ی کودتا زده است . مانوئل ، که فیلم با تثبیت چهره‌ی او پایان مییابد ، مظهر مقاومت خلق خاموشی است که پس از پشت سر گذاشتن «تجربه» ای خونین و وحشت‌بار ، دیگر «بی طرف» نیست و با دلیری و جانبازی به سوی میدانهای راستین مبارزه گام بر میدارد .

امیر یا لیسیم امریکا دشمن آزادی و استقلال همه خلقهای جهان است

مردان مسلح جبهه ملی رهائی بخش ساندینستا در نیکاراگوئه، همچنان به پیشروی خود ادامه میدهند و مواضع رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی سوموزا را یکی پس از دیگری بصرف خود درمی آورند. در چند روز اخیر موضع مقاومت مهم «سان مارکوس» در سی و دو کیلومتری پایتخت نیکاراگوئه به تسخیر قیام کنندگان در آمد. موقهت در عملیات نظامی روزهای اخیر به نیروهای جبهه ملی رهائی بخش امکان داد که مواضع مناسبی را جهت زیر ضرب به قرار دادن مستقیم ما فاگوئه و شکست نهائی ارتش مزدور رژیم دیکتاتوری تصرف کنند. در نیکاراگوئه ابتکار عملیات در همه جبههها بدست نیروهای مسلح قیام کنندگان است.

ایالات متحده امریکا، از پایگاههای نظامی خود در پاناما، نیروهای تازه نفس و وسائل و تکنیک جنگی با هوایما به نیکاراگوئه میفرستد. طبق اخبار رادیوی پاناما، که مورد تأیید وزارت امور خارجه پاناما قرار گرفت، از شانزدهم تا سی و یکم ژوئن، از پایگاه نظامی امریکا «چارلستون» در پاناما، هواپیماهای امریکائی (اس-۱۳۰) صد و پنجاه فرواز به شهرهای مختلف نیکاراگوئه انجام داده اند. بوسیله این هواپیماها، علاوه بر اسلحه و مهمات، گروههای ضربتی مزدور که دورههای ویژه جنگهای ضد پارتیزانی را گذرانده اند، به نیکاراگوئه اعزام میشوند. این کمکها به رژیم دیکتاتوری ضد خلقی سوموزا در حالی انجام میشود که حتی خود سوموزا امید به ابقای رژیمش را از دست داده و مانند شاه مخلوع ایران، که دستور خروجش از کشور، از واشنگتن صادر گردید، در انتظار چنین دستوری است. در عین حال دوایر جاسوسی و کارگزاران امپریالیسم امریکا هم بیکار ننشسته اند و به فعالیتهای پرتب و تاب خود در این کشور ادامه میدهند. این فعالیتها در آن سمت است که روند حوادث در نیکاراگوئه به بستر مطلوب برای امپریالیسم امریکا کشاننده شود. یعنی تمام تلاشهای امریکا در این زمینه، با این هدف بکار برده میشود که پس از واژگونی رژیم دست نشانده، که به حکم جبر تاریخ امری ناگزیر است، جبهه ملی رهائی بخش ساندینستا، که قیام مسلحانه همگانی خلق را رهبری میکند، به حاکمیت نرسد.

در مرحله کنونی پیروزی جنبش ساندینستا، امپریالیسم امریکا که دیگر قادر نیست این رژیم ضد خلقی را با دیکتاتوری سوموزا حفظ نماید، میکوشد با گروه فرماندهی ارتش رژیم دیکتاتوری تماس مستقیم برقرار سازد تا شاید بتواند از انحلال و فروپاشی گارد ملی پانزده هزار نفری، که از نظر واشنگتن مهمترین وثیقه جلوگیری از استقرار یک حکومت خلقی است، ممانعت بعمل آورد. حوادث نیکاراگوئه واشنگتن را با مشکل تازه ای، مشابه آنچه که در ایران گذشت، روبرو ساخته است. چالب اینکه پیروزی انقلاب ایران، که رژیم ضد خلقی دست نشانده امپریالیسم امریکا را به زباله دان تاریخ سپرد، برای امپریالیسم امریکا آموخته نبوده است. بنا به عقیده آسوشیتد پریس، برخورد دولت امریکا با حوادث نیکاراگوئه به روش آن نسبت به حوادث انقلابی که در ایران گذشت، شباهت فراوان دارد. امپریالیسم امریکا تا آخرین لحظه تصور میکرد که میتواند رژیم منغور شاه مخلوع را حفظ کند و بدینجهت از آن حمایت مینمورد. در ماه ژانویه که معلوم شد دولت کراتر دیگر قادر به نیجات تاج و تخت شاه مخلوع نیست، تمام وزنه خود را در کفه حمایت از دولت بختیار قرار داد. اما پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، کابینه بختیار و حامیان امپریالیستی آنرا در زیر امواج طوفانی خود در هم توردید. اکنون نیز که رژیم سوموزا در زیر ضربات در هم شکننده قیام مسلحانه جبهه ملی رهائی بخش واپسین روزهای حیات خود را از سرمیگذرانند، امپریالیسم امریکا در جستجوی یک لیدر دیگری، یعنی بختیار نیکاراگوئه است تا آنرا جانشین سوموزا کند.

وزارت امور خارجه امریکا از زمستان سال گذشته، که نبردهای

اصل محتوای قانون اساسی است

«عصر جدید» می نویسد:
...خطر ماجراجویی چپ روانه بویژه اکنون افزایش مییابد که تضادهای درونی، در آستانه مرحله مهمی از زندگی جمهوری نوژاد، یعنی در آستانه تصویب قانون اساسی، شدت یافته است. متن پیش نویس قانون اساسی پس از چند بار تعویق، سر انجام انتشار یافت و برای مدت یکماه تا ۲۲ ژوئیه (۳۱ تیرماه) در معرض بررسی و قضاوت عموم قرار گرفت. ولی هر قدر شکفت انگیز بنظر آید، این «آشتی ناپذیران» با محافل بورژوازی لیبرال متحد شدند و با حرارت در صفحات روزنامهها و در میتینگهای خیابانی - به بحث پرداختند، اما نه پیرامون مضمون پیش نویس قانون اساسی، بلکه درباره فروعات مربوط به نحوه جریان تصویب آن.

اما موضوع در اینجا بشرح زیر است: کشور هنوز از تاملات انقلاب رها نشده، وضع سیاسی درون کشور در مرحله کنونی گذار بی ثبات و بسیار متشنج است، در مناطقی حکومت چند گانه بوجود آمده، قدرت حا که بورژوازی ملی ضعیف است، دشواریهای بزرگی در زمینههای اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، تضادهایی در مناطق اقلیمهای ملی بروز کرده است. کوتاه کردن این دوران گذار، تقلیل آن بعد اقل، فرصت ندادن به ضد انقلاب، که صفوف خود را متحد و تسکیم کند و سر نوشت دستاوردها و برنامه های خلقی را در معرض خطر قرار دهد، چنین است وظیفه ای که رهبری مذهبی سیاسی، که در رأس آن آیت الله خمینی صاحب نفوذ و اعتبار قرار دارد، معین کرده است. برای اینکه سرینتر قانون اساسی تصویب شود، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری انجام گیرد، دولتی تشکیل شود، طرح زیرین تدوین شده است: بجای مجلس مؤسسان وسیع، که قبلا مطرح شده بود، متن

در خرمشهر عناصر مشکوک به دفتر «مردم» حمله کردند.

ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸، عده ای از عناصر مشکوک به دفتر «مردم» و همچنین کتابفروشی اتحاد حمله کردند و آنها را ویران ساختند. رفقای مسئول دفتر «مردم» در باره این عملیات ضد انقلابی به فرمانداری شکایت بردند. فرماندار خرمشهر نسبت به این حادثه ابراز تأسفک کرد و قول رسیدگی داد. ما امیدواریم که با تدابیر قاطع و فوری جلو این عملیات ضد انقلابی گرفته شود.

هجوم مجدد عناصر مشکوک بدفتر حزب در رشت

حدود ۱۱ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۵ تیرماه، مائویستهای «سازمان انقلابی» همراه با عده ای از عناصر مشکوک و بعضی از عناصر فاجاه و تحریک شده بار دیگر به دفتر حزب در رشت حمله کردند، تا بلوی سازمان ایتالی را پایین کشیدند، شیشه ها را شکستند، پوسترها و شمارهای پارچه ای را پاره کردند. با توجه به حملات این عناصر مشکوک در روزهای گذشته، کاملاً آشکار است که هجوم بدفتر حزب آگاهانه و سازمان یافته انجام میگیرد. ما ضمن اعتراض شدید به این عملیات ضد انقلابی، بار دیگر از مقامات مسئول مصرا نه خواستار تعقیب و مجازات هجوم کنندگان بدفتر حزب، که دیگر برای مقامات مسئول هم باید شناخته شده باشند هستیم.



نه تنها خاورمیانه، بلکه بسیاری از دولتهای غربی نیز ناخواب شدند

روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت: «نه تنها کشورهای خاورمیانه، بلکه بسیاری از محافل سیاسی دنیای غرب نیز از گفت و گوهای کمپ دیوید ناخرسندند.» پروادا تصریح کرد که این امر در دیدار اخیر ریاست رفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین از وین بوضوح به ثبوت رسید.

ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی متذکر شد که تبادل نظرهایی که میان عرفات از طرفی و کرایسکی و ویلی برانت از طرف دیگر بعمل آمد، به عقیده ناظران یک آزمون عادی و سودبخش بود.

بحران فزاینده در مرکز جهان سرمایه داری

امریکای بحران زده برای رفع درد بی درمان خود تلاش مند بحرانهای را آغاز کرده است. مشاوران رئیس جمهوری این کشور در گفت و گوی اخیر خود با وی پیش بینی کرده اند که در سال جاری نرخ تورم نسبت به سال گذشته دو برابر خواهد شد، حال آنکه میزان تولید کاهش خواهد یافت و شماره بیکاران به یک میلیون نفر بالغ خواهد شد.

لکن جیمی کارتر که از اجزای اندیشی امکان ناپذیر در شرایط استقرار نظام سرمایه داری عاجز است، در صدد است برای چاره جوئی در این زمینه به اقداماتی از قبیل نطق رادیو تلویزیونی توسل جوید!

جمعی از کارگردانان کنگره امریکا درباره حسن تأثیر این اقدام رئیس جمهوری امریکا ابراز تردید کرده اند و اعتقاد دارند که این ابتکار جیمی کارتر گره گشای مسأله نخواهد بود و نخواهد توانست توجه افکار عمومی امریکا را بسوی خود جلب کند. دست اندرکاران کنگره امریکا برای مدوای درد امریکا پیشنهاد تدا بین قابل لمس را از طرف رئیس جمهوری مؤثر می دانند و آنها معتقد هستند که رئیس جمهوری باید بتواند فرد فرد امریکائیان را متقاعد کند که تدا بین متخذه از طرف او بحران امریکا را رفع خواهد کرد!

مانورهای دیپلماتیک آمریکا در کره

روزنامه پروادا ارگان رسمی حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت که قصد واقعی واشنگتن و ستول از مانور دیپلماتیک جدید با منافع ملی خلق کره مفایرت دارد. پروادا متذکر شد، «چنانچه زبانی در امریکا درباره پیشنهاد گفت و گوی سه جانبه نمایندگان امریکا، مقامات کره جنوبی و جمهوری دمکراتیک خلق کره درباره اتحاد دو کره برپا شده است، لکن تا خروج سر بایزان خارجی از کره جنوبی مسأله کره از لحاظ جنگ و اتحاد حل نخواهد شد و این خروج را می توان بمنوان یک پایگاه دموکراتیک صلح تلقی کرد.» پروادا تأکید و زیندی که اتحاد شوروی وسایر کشورهایی که در راه صلح مبارزه می کنند، به همین علت از وحدت دو کره پشتیبانی می کنند.

رهائی بخش مردم نیکاراگوئه سراسر کشور را فرا گرفت و زرفای انزجار و نفرت همگانی خلق نسبت به رژیم دست نشانده اش عیان گشت. به اندیشه یافتن جانشین مطلوبی برای سوموزا فرورفت. اما در آن زمان این اندیشه هنوز خام و زودرس بنظر میرسید، زیرا امریکا با مشکل جدی تری از آن، در ایران روبرو بود و کراتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، بعلت عدم قاطعیت و دودلی در پشتیبانی از رژیم شاه مخلوع در ایران، آماج انتقادات شدید محافل امپریالیستی بود.

اما در آغاز تابستان سال جاری، ایالات متحده امریکا در اجلاس سازمان دول امریکائی مسئله بزرگتری سوموزا را مطرح نمود و در عین حال پیشنهاد کرد که نیروهای مسلح مشترک این سازمان ساخت امریکا، بمنظور تأمین «صلح و آرامش» به نیکاراگوئه اعزام شوند. ولی این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و محافل واشنگتن را بیاد خاطرات شیرین دورانیکه این سازمان ابرار گوش فرمان در دست امپریالیسم امریکا بود، متأسر ساخت، زیرا در سال ۱۹۶۵، که در دو مینیک حوادثی شبیه حوادث کنونی نیکاراگوئه میگذاشت، چونسون رئیس جمهور وقت امریکا، واحدهای بیست هزار نفری نیرو های مسلح مشترک این سازمان را با مأموریت برقراری «صلح و آرامش» به آن کشور اعزام نمود. اما امروز سیاست سیطره جوینا نه امپریالیسم امریکا در میان کشورهای امریکائی لاتین دیگر چندان اعتبار و ضمان اجرایی ندارد. همبستگی روزافزون کشورهای امریکائی لاتین با مبارزات مسلحانه جبهه ملی رهائی بخش در نیکاراگوئه، از نمودارهای بارز این واقعت است. تاکنون دول کوبا، پاناما و گره نادا دولت موقت جبهه ملی رهائی بخش را بر سمیت شناخته اند و هر روز بر تعداد دولی که با رژیم سوموزا قطع رابطه میکنند، افزوده میشود.

کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشین امریکا، چندین پیش طی مصاحبه ای با «واشنگتن پست»، ضمن گفتگو درباره حوادث نیکاراگوئه، انقلاب ایران و اوضاع رودزیا، هدف عمومی سیاست امریکا را در روبرو شدن با چنین اوضاعی بدینگونه خلاصه نمود: «کوشش برای یافتن راه حل معتدل» در برابر حکومتهای رادیکال، که احتمال میرود در این کشورها روی کار آیند. بدینگونه سخن، در مواردیکه امپریالیسم امریکا دیگر قادر نیست رژیمهای منفوری از قبیل شاه مخلوع، سوموزا و اسویت را حفظ نماید، میکوشد حکومتهایی باوجه ظاهرأ ملی و قابل قبول برای مردم، که در عمل همان نقش را ایفاء کنند، روی کار بیاورد. کیسینجر اضافه نمود که تعویض حکومت های نامطلوب جزو وظایف ما نیست، اما اگر بخواهیم چنین تعویضی را انجام دهیم، باید مسئولیت آنرا پذیرا باشیم که چنین تعویضی با ایده آلهای ما (منافع امپریالیسم امریکا) مطابقت داشته باشد. کیسینجر ابراز تأسفک نمود از اینکه، تلاشهای واشنگتن برای یافتن جانشین مناسب برای سوموزا تاکنون بی نتیجه بوده، اما بنظری در رودزیا اسقف موزوروا چهره کاملاً مناسب و مطلوبی برای امریکاست.

این اعترافات گستاخانه یکی از کارگزاران سنانس امریکیالیسم امریکا بیانگر این واقعت است که امپریالیسم امریکا، بر حسب سرشت آزمندانه خود، در سراسر مناطق جهان پشتیبان رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی و دشمن سوگند خورده خلقها نیست که از دست خیانتها و تبهکاریهای این رژیمها بجان آمده و برای سرنگونی آنان به بیگار برخاسته اند. زندگینامه شوم و مرگبار این جهان خوارخون آشام را چپاول و غارتگری و تروتهای ملی، کشتار و شکنجه خلقها، اشاعه فساد، توطئه و کودتاهای نظامی ضد خلقی و تحمیل رژیمهای دیکتاتوری ضد مردمی بر خلقها تشکیل میدهد.

پس وظیفه مقدس نیروهای راستین ملی و انقلابی است که این دشمن اصلی آزادی و دمکراسی و استقلال را بدرستی بشناسند و بخاطر مصون داشتن دستاوردهای انقلاب و ادامه روند انقلابی، در صوفی، بیستوه و با وحدت عمل، با بیگیری و قاطعیت در برابر تحریکات و اقدامات مخرب و توطئه گرانه آن مبارزه کنند.

قانون اساسی را «شورای بررسی نهائی قانون اساسی» که تعداد اعضاء آن ۷۳ نفر است، بر مبنای خواسته های مردم اصلاح و تکمیل خواهد کرد و سپس متن آماده قانون اساسی به رای عمومی گذازده خواهد شد.

بورژواهای لیبرال نیز، که از سوی پر سروصداترین چپ روان مورد حمایت قرار گرفته اند، نسبت به امتناع از اندیشه سابق در مورد تشکیل مجلس مؤسسان، به مخالفت پرداخته اند. قطع نظر از هذفهای مشخصی که انواع طرفداران مجلس مؤسسان تعقیب میکنند معنای موضوعی آنها در آخرین تحلیل یکی است، بدرازا کشاندن دوران گذار به یک تا دوسال.

در همین حال نیروهای ترقیخواهی، نظیر مثلاً حزب توده ایران، برنامه های را که آیت الله خمینی و دولت مطرح ساختند، مورد پشتیبانی قرار دادند و توضیح دادند که نحوه تصویب قانون اساسی مسئله ای فرعی نسبت به محتوای آنست. آنها تأکید دارند که این محتوا میبایستی بر مبنای بحث علنی همه خلقی بیکپا رانه ضد امپریالیستی باشد و خواسته های آنهاست، که انقلاب را انجام داده اند، یعنی خواسته های توده های زحمتکش را تضمین کنند.

از کمکهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

هزینه عروسی الف وب	۱۰۰/۰۰۰ ریال
هدیه دوستان برای عروس وداماد	۵۰۰۰
هدیه دوستان کاری برای عروس وداماد	۱۵۵۰
مهدی	۲۰/۰۰۰
گروه دهقانان آبکنار	۵۰۰۰
نوین فولادوند (کودک)	۲۰۰

از اخگر شعله برمیخیزد

ای آتش نمانده به خاکستر زمان!
ای گشته از دم تو روانهای سرد، گرم!
ای آهن از تو تفته و پولاد از تو نرم!
از تند باد حادثه، در پهنه جهان
میباش درامان

هردم ز پرتو دگری میدهی نوید
آری تو، ناظر افق بی‌نهایتی
آیینت تمام نمای هدایتی
جام جهان نمایی و تصویری از امید،
از چهرهات پدید

ای کارگر به رهبریت دیده دوخته!
ای دیهقان به گفته نغزت گشاده گوش!
دانشور از پیام تو سرتا پیا به جوش!
آزاده از فروغ تو، دل برفروخته!
خودکامه سوخته!

پنهان ز دیده بودی و با دل گرفته خوی
ای رهنمائی دیده و ای چاره ساز دل!
هرگز جدا نبوده‌ای از دیده یا ز دل
ای دل پناه برده به تو، دیده کرده روی!
با تو به گفتگوی!

گر غیر، نام تو نبرد بر زبان چه باک
غیر است و غیره که برد رنج در سکوت
ز آنجا که میدهد خبر از مرگ هر سکوت
بگذار تا رسد ز سکوتی هراسناک
خشم ترا هلاک

تو آتشی و خصم شمارد شرارهات
غافل که شعله خیزد از این اخگر گران
گرمتر فروغ تو اند این ستمگران،
بگشاده باد چشم جهان بر نظارهات
رخشان ستارهات

در راه تو، چو روزبه، انسان راستین
بسیار بوده‌اند ظفرمند و بی شکست
تا بوده، بوده راه تو و یاز نیز هست
ز انگلس تا بمارکس از مارکس تا لنین
وز روم تا به چین

سرباز تو، به حکم تو، چون اسب رزم، راند
پیل ستم، به درگه تو، رخ به خاک سود
هم، آمد از فراز، وزیر غضب فرود
هم خویش را پیاده به رخس ظفر نشاند
هم شاه مات ماند

یاد آیدم که آرزویم بود تا مگر
یابم ز (سازمان جوانان) به (حزب) راه
از بامداد تا شب و از شام تا پگاه
بودم در این امید بهر کوچه و گذر
با حزب رهسپر

نه خورد و خواب بود مرا و نه جای خواب
با بحث داشتم سروکار و کتاب و کار
باور مرا نبود که روزی هم آشکار
پرسش کنم ز حزب و از او بشنوم جواب
در راه انقلاب

طبع جوان به مکتب زندان گهر فشاند
رخشنده آنچنانکه بیاید به کار حزب:
(شش شرط اصلی است که گردش شعار حزب
آن حزب را توان که لنینیسم حزب خواند)
وز او جدا نماند

از طریق توطئه دامنه‌داری در رنگین نامه‌ها:

ضد انقلاب بختیار را نامزد ریاست جمهوری ایران کرد!

■ با انتشار لیست ساواکیهای مطبوعات،
گردانندگان ضد انقلابی رنگین نامه‌ها را
افشاء کنید.

■ رنگین نامه‌ها، بختیار خانی را «قهرمان
انقلاب ایران» معرفی میکنند.

آن بخش از ضد انقلاب، که با استفاده از برخی مطبوعات چنگ
گسترده‌ای را برای بی‌حیثیت کردن انقلاب آغاز کرده، هر روز
بی‌پروا تر به میدان می‌آید. رنگین نامه‌هایی که سالیان دراز مدافع
جنايات شاه خائن و مبلغ فساد و هزلگی بوده‌اند، اکنون تمام
امکانات خود را در اختیار سرسپردگان «سیا» گذاشته‌اند که میکوشند
آب رفته را به جوی برگردانند. آنها به شیوه‌های گوناگون درباره
ارزشهای ضد انسانی رژیم گذشته تبلیغ میکنند و میکوشند آن ارزش‌ها
را که انقلاب خونین مردم به زباله‌دان تاریخ انداخته، انقلابی نشان
دهند، آنها را حفظ کنند و در صورت امکان بازگردانند.

این تبلیغات از «انقلابی» نشان دادن خوانندگان معلوم -
الحال دستگاه فساد شاه مخلوع شروع میشود و تا معرفی شاپور بختیار
مهره سرسپرده «سیا» که هزاران تن از مردم دلاور ما را به شهادت
رساند، به عنوان «قهرمان انقلاب ایران»، ادامه پیدا میکند.

«مردم» اولین نشریه‌ای بود که این توطئه شوم ضد انقلاب
را فاش کرد و نوشت که، ضد انقلاب تلاش وسیعی را برای اعاده
حیثیت شاپور بختیار آغاز کرده است و خواستار افشای این توطئه
شد.

خوشبختانه وزارت ارشاد ملی به این هشدار حزب توده ایران
توجه کرد و گوشه‌ای از این توطئه را در یک برنامه تلویزیونی به
اطلاع مردم رساند، توطئه‌ای که در آن، ضد انقلاب به دستور اربابان
آمریکائی خود، میکوشد «بختیار» را از خیانت به انقلاب ایران
تبرئه کند و حضرت «مرغ طوفان» را، که سرانجام طوفان انقلاب
اورا چون هزاران مهره خیانتکار از سر راه خلق های ایران جادو
کرد، «خادم» و «انقلابی» جا بزند.

بختیار، این سالوس هزار چهره، در واقع یکی از صدها مهره
امپریالیسم خونخوار امریکا بود، او وقتی مرغان بیقرار آزادی
خبر از رسیدن طوفان انقلاب به ایران دادند، مأمور نجات تخت
سلطنت خونین شاه مخلوع شد.

این تلاش تا آخرین روزهای سلطنت شاه خائن هم ادامه
داشت.

بختیار به محض آنکه به فرمان شاه نخست‌وزیر شد، کوشید
تا آخرین پدیده ستاریویی را که «سیا» و «پنتاگون» نوشته بودند و ژنرال
هوینر آمریکائی از نزدیک در تهران کارگردانی میکرد، با تمام
وجود اجرا کند. شاه خائن، که دیگر ادامه حضورش ممکن نبود،
برای اجرای این ستاریو از ایران فرار کرد و بختیار جاییش را
گرفت. او برای متفرق کردن صفوف متحد مردم، از «فاشیسم مذهبی»
که در راه است، سخن گفت و سعی کرد مردم را از «دیکتاتوری
نعلین و عبا» بترساند. مردم که عزم کرده بودند رژیم شاهنشاهی را
دفن کنند، پاسخ یاروهای او را با تظاهرات میلیونی و شعارهای،

— بختیار، نوکر بی‌بختیار
— دولت بختیار، حيله جدید شاه است

با همان وحدت بی نظیر دادند. بختیار که دید مردم نقشه‌های
او را برای نجات شاه خائن نقش بر آب کرده‌اند، مانند اسلاف خود،
هویداها و آموزگارها و شریف امامی‌ها و ازهارى‌ها، مردم را به
گلوله بست و تنها در يك روز، در نزدیکی دانشگاه، دهها نفر
را بشهادت رساند.

بختیار آنچنانکه شایسته يك نوکر سرسپرده تمام عیار است،
تا آخرین لحظات سعی کرد انقلاب ایران را متوقف کند. او نه تنها
به توصیه‌های امام برای استعفا، جواب‌های گستاخانه داد و اعلام
کرد که با رهبر انقلاب مقابله خواهد کرد، بلکه فرودگاه را بروی
امام بست. فقط قیام مسلحانه مردم، که انقلاب را پیروز کرد، بختیار
را ناچار به ترک پست نوکری «سیا» کرد.

رنگین نامه‌ها میکوشند این واقعات را تحریف کنند. یکی
از آنها که مدعی است که بختیار میکوشته با کمک سازمان چریکهای
فدائی خلق علیه ارتش کودتا کند (۱) (فدائیان خلق این دروغ
بزرگ را تکذیب کرده و آنرا توطئه امپریالیسم خوانده‌اند) و

ای سالها ز حزب به ظاهر جدا شده!
ای همچو جان دوباره در آمیخته بدو!
ای بوده سالها (من) و با (من) بگفتگو!
ای از (من) آمده بدر و باز (ما) شده!
با توده‌ها شده!

بر نهضت من و تو وما و شما درود
پیوسته استوار ترش تار و پود باد
از من، به حزب توده ایران درود باد
تنها نه از من، از تو، ز هر آشنا درود
از خلقها درود

خرداد ۵۸ - موج

گستاخانه چنین می‌پرسد: «به راستی آیا این کار که بختیار شاه را اودار
به خروج از کشور کرد، کار بزرگی نبود؟» نتیجه میگیرد، «شاپور بختیار
در جهت پیشبرد انقلاب خلق ایران کام بر میداشت، اما با اتکا به
نقله نظرهای خودش». همین رنگین نامه، چند خط یا تین تر، بختیار
را «قهرمان انقلاب ایران» معرفی میکند و می‌نویسد، «بختیار به
این ترتیب (یعنی کودتای ادعائی سطور بالا) میکوشد به نحوی که
کشتری انجام نشود، انقلاب ایران را به قمر برساند، براسستی بختیار
يك قهرمان انقلاب ایران است؟ و یا...»

رنگین نامه دیگری، که در روی جلد خود، بختیار را
«محبوب‌ترین نخست‌وزیر» ۵۰ سال اخیر پس از دکتر مصدق معرفی
میکند، در صفحات داخلی خود با تیت درشت می‌نویسد، «شاپور
بختیار همچنان محبوب اکثریت خاموش ملت ایران است» و چنین
ادامه میدهد، «این گروه معروف به اکثریت خاموش، این روزها
که از شدت فشار و نارضایتی در يك حالت بیقراری و انتظار بسر
میبرند، در محافل خود، صحبت‌هایشان بیشتر درباره يك چیز دور
میزند و آن بختیار است.»

این رنگین نامه در ادامه همین مطلب می‌نویسد، «در هر صورت
آنچه مسلم است، بازار سیاست ایران با اجرائی که بر بختیار گذشت، یکی
از بهترین مهره‌ها و آس‌های خود را از دست داد، مردی که در مدتی
کوتاه به میلیونها ایرانی خاموش غرور ملی داد.»

این رنگین نامه و همپا لکی‌های آن، که عکس‌های رنگی و
«ترجم» بر انگیز «بختیار» را روی جلد چاپ میکنند، او را به
دادگاه میبرند و تبرئه میکنند، عکسش را که در کنار تصویر دکتر
مصدق نشسته، به چاپ می‌رسانند و حتی در دو صفحه‌ای که درباره چهره
ملی سخن گفته میشود، با دو تصویر بزرگ بختیار صفحه را تین می‌کنند،
از اینهمه تبلیغ چه هدفی را دنبال میکنند؟ پاسخ را میتوان در خود

همین رنگین نامه‌ها پیدا کرد. آنها ابتدا بقول خودشان «اکثریت
خاموش کشور، همان اکثریت ترس‌زده که تربیت شده دوران استبداد و
دیکتاتوری رژیم سابق هستند و هنوز جرئت پیدانکرده‌اند که در
مواقف لزوم با قاطعیت و بارشادت از حق و حقوق خود دفاع کنند، را
باین ترتیب تحریک میکنند، «شاید اگر ترس از هجوم و تکفیر و چماق
نبود، این اکثریت خاموش میتواند از بختیار حمایت و جانبداری
و طرفداری نماید...»

ضد انقلاب، که توده‌های میلیونی را، که در فرماندوم خود،
شاه و بختیار را مطابق همان شمار، که بعد از انتصاب بختیار میدادند،
— نه شاه میخواهیم نه شاپور، لعنت به هر دو مزدور!
به گور سپرده‌اند، «اکثریت خاموش» می‌نامد، از آنها چپنه
میخواهد؟

ضد انقلاب خودش، در یکی از رنگین نامه‌ها، جواب میدهد،
«يك همه‌پرسی ساده در میان خانواده‌ها نشان میدهد که بختیار همچنان
از محبوبیت شگرفی برخوردار است، و غالب آنها با تأثر میگویند که
بختیار نخست‌وزیر ما بود» و یا، «شاید اگر بختیار در شرایطی دیگر مثل
شرایط امروز کشور ایران روی کار می‌آمد، بدون چون و چرا آراء
کامل ریاست جمهوری را هم بدست می‌آورد.»

باین ترتیب ضد انقلاب، خائن بزرگ به انقلاب ایران را،
نامزد نخست‌وزیری و ریاست جمهوری ایران میکند. زهی بیشتر می‌ا
ماضن افشای این توطئه جدید ضد انقلاب، یکبار دیگر از
مقامات مسئول مملکتی و همه آنها که نگران انقلاب ایران هستند،
میخواهیم که با انتشار لیست ساواکی‌های مطبوعات، که اکنون از
طریق وزارت ارشاد ملی، به سندیکی نویسنده‌گان و خبرنگاران
مطبوعات داده شده، دست عناصر ضد انقلاب را رو کنند.

حجت الاسلام حاجی رضی شیرازی مورد اصابت گلوله تورپست‌ها قرار گرفت

حدود ساعت ۲ بعد
از ظهر روز یکشنبه ۲۴ تیر
ماه ۱۳۵۸، در محل تقاطع
خیابان عباس آباد و
خیابان مصدق، در جلو
بیمارستان ۵۰۱ ارتش،
حجت الاسلام حاجی رضی
شیرازی مورد اصابت
گلوله تورپست‌ها قرار
گرفت و بشدت مجروح
شد.
حجت الاسلام، که بعلت
اخلاق و روش انسانی خود
مورد احترام کسانی است
که وی را میشناسند، اینک
در بیمارستان بستری است.
گفته میشود که از تورپست
ها، یک نفر بر اثر تیراندازی
پاسد ارها کشته شده و یک نفر
دیگر فرار کرده است.
چنانکه ملاحظه میشود
ضد انقلاب عملیات تورپستی
خود را توسعه داده است.
ما بار دیگر جداً از مقامات
مسئول خوارستاریم که
تدابیر قاطعی برای
جلوگیری از عملیات
تورپستی اتخاذ کنند.